

بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی

رژیم جمهوری اسلامی ایران! در صفحات ضمیمه

تظاهرات پرخروش مردم جنوب تهران علیه جنگ، علیه رژیم

می کردند. حمله اصلی نیروهای مسلح پس از ساعت هفده از ظهر روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه در حالی آغاز شد که گروه کثیری از مردم در خیابانهای مختلف و حوالی پلهوای و روی پل به شعار دادن و دعوت از غابریئیل تومبیلها به شرکت و حمایت از تظاهرات مشغول بودند. در میان مهاجمین کمیته و سپاه تنها قریب ۵۰۰ تن از جماعت داران موشورسوار جای داشتند و تیراندازی به سوی مردم از همان لحظات اولیه تهاجم آغاز شد. بقیه در صفحه ۲

مردم جنوب تهران علیه استمکار رژیم خمینی، بیخاستند و با پای سدا ران از حرکت لیدرانه رژیمدند مردم به تنگ آمده از این رژیم فاسد، مردم خسته از جنگ و خون ریزی روز چهارشنبه بیست و یکم فروردین ماه در کوی سیزدهم آبان تهران با شعارهای "جنگ جنگ کوپریوزی و شعار علیه شخص خمینی و خلافت و یه خیا با نها ریختند و نمایش شکوهمندی از عزم و اراده خلق در مبارزه با جنگ رژیم خمینی آفریدند. در این تظاهرات با شعله و صدا شعارها را میخواندند و در کنار مردم و به همراه آنها بودند و در هدا بیت و کمک به تظاهرات کنندگان فعالانه گوشیدند. تظاهرات زمانی آغاز شد که یک جوان بدست پاسداران رژیم خمینی در محل به قتل رسید و مردم متأسفانه برودر اعتراض به این جنایت ضد بشری او با شان رژیم بیخه خیا با ن ریختند.

چهلمین

سالگرد پیروزی بر فاشیسم

پیروزی تاریخ ساز مردم شوروی و نیروهای صلح دوست جهان

امسال مردم جهان چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن را با شگوه تمام جشن می گیرند و در برابر بردلوریهای جاننا زانسه میلیونها زن و مرد که در پیکار حماسه ساز علیه فاشیسم خونخواران خود را از دست داده اند، سر تعظیم فرود می آورند. چهل سال قیاسل در روز ۱۹ اردیبهشت (۹ ماه مه) با فتح برلن توسط ارتش سرخ شوروی، بشریت از کابوس هولناک فاشیسم رها بی یافت و توطئه جنایت با ردرنده ترین جناح انحطاطات امبرالیستی برای برگرداندن عقربهای تاریخ به عقب درهم شکسته شد.

جنگ دوم جهانی را امبرالیسم آلمان و همدستان آن به همه ملل تحمیل کردند. امبرالیسم برای نا بودی نخستین دولت سوسیالیستی جهان ها ترین نیروی ضربه ای خود، فاشیسم و میلیتاریسم را وارد میدان نمود، ارتش درنده خوی هیتلری که با دم هیرمنی فاشیسم و برتری نژادی تربیت یافته بود از امکانات عظیمی برخوردار بود، به اتحاد شوروی حمله برد. با این یورش خطر بسیار عظیم و مهیبی اتحاد شوروی را تهدید می نمود. امبرالیسم جنگ آفریز بود و تپسودا کیمیت شوروی پیروزیهای انقلاب اکشبر را تا ج ساخته بود. مردم شوروی و ارتش آن در برابر سرهمگین ترین آزمایش تاریخ و عظیم ترین مشکلات قرار گرفتند. هر رژیم بورژوازی همانطور که واقعیت نشان داد در برابر شکست با چنین وسعت از پای درمی آید. بدون شک آنچه تا کنون با اندیشه بردا زان امبرالیسم ادعا می کنند، وسعت بقیه در صفحه ۹

خلق برمی خیزد

روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۶۴، در کوی ۱۳ آبان در جنوب تهران زحمتکشان زجر دیده و ستم کشیده علیه رژیم، علیه جنگ، برای صلح بیخاستند و بیشتر رژیم خمینی را به لرزه افکندند. عمال حکومت سراسیمه و وحشت زده از غریبوتظا هر کنندگان انگشت در مانده مسلسل ها کشیدند و با رگبار گلوله ها بسرگ تازهای بر کارنا مه سیا و شنگین جنایت خودد افزودند. اما این جنایتان زبون تر از آن بودند که با این جنایتان با تانگ اعتراض و مبارزه زحمتکشان آبان و نازی آبا دوبا خجی با دودیکر محملات و شهرها را خاموش سازند.

آنچه در کوی ۱۳ آبان رخ داد، طلعه ۱۳ آبان هاست. ساله اصلی این است که جان مردم از این رژیم به لب رسیده و دیگر آنان را برای تحمل ایکن تکبیت نیست. تظاهرات کوی ۱۳ آبان نشان ایکن حرکت تازه در مبارزه خلق است. نشان بزرگ و چشمگیر جدت و وضع و درجه آمادگی و ایثارگری مردم زحمتکشان علیه این رژیم، پیدا گرد است. اعتصاب خوینسن با سان پس از دخا نیات و ذوب آهن پس از سان اکنسون به تظاهرات زحمتکشان آبان ۱۳ فرارو دیده است. در شهرهای دیگر هم مردم علیه جنگ و علیه رژیم تظاهرات کرده اند. اوضاع کنونی اوضاع تازه ایست. اکنون اوضاع علیه گونهایست که از هر جرفه می تواند حریق بر خیزد. مهم نیست که این جرفه خود سری یک پای سدا ریا شدیا جنایت یک خدا نقلابی افغانی، قطع آب یا شدیا تعطیل سابقه فوتبال، هر جرفه ای می تواند آتش خشم و اعتراض خلق را علیه این رژیم استبدادی و ارتجاعی شعله و رسا زد. با اطمینان با بدید کسه اوضاع کشور ایستن ۱۳ آبان هایی با زهم پر شگوه تر است. رژیم در حمایت خود سرا با در برابر درخواست و اراده خلق قرار گرفته است.

اکنون رژیم آشکارا از درهم شکستن نیروهای ترقیخواه عاجز مانده است. فداییان خلق ایران در این میان بسیار شامند. علیه غم تحمل سنگین ترین تهاجمات، حزب توده ایران به صورت یک نیروی سیاسی بکنلی غیر قابل انکار در عرصه مبارزه روزمره خلقی فعال است. فدائین وابسته به سایر نیروهای ترقیخواه نیز در راه تحکیم پیوند با توده های خلق پیش می روند. همین واقعیت در اطلاعیه وزارت کشور و در جرفه های سرپرست کمیته های تهران به خوبی انعکاس یافته است. او آشکارا اعتراف کرده است که فدائیان اکثریت، توده بیا و مجا هدین تظا هریا تاخیرا رهبری کرده اند. در کوی ۱۳ آبان، روز چهارشنبه دست جنایتکار عمال رژیم در محنه تیردی حماسه آفرین خون زحمتکشان را بوزمین ریخته خونی که راه صلح، و نیز راه نابودی این رژیم فاشی و جنایتکار را هموار می کند.

پس بست سیاست فدملی و جنایتکارانه رژیم در ساله جنگ، همانگونه که انتظار می رفت، گریبان آن را به تمام و کمال گرفته است. شکست عملیات جنایتکارانه و عمیقاً فاجعه تیزید و قربانی شدن حدود ۳۰ هزار نفر از زحمتکشان میهن ما در بقیه در صفحه ۲

یورش و حشیا به زندانیان اوین

در اواسط فروردین ماه ۶۴ ما مورین سرکوب رژیم خمینی به زندان اوین یورش برده و زندانیان سیاسی را وحشیانه مورد ضرب و شتم قرار دادند. در نتیجه این اقدامات سبانه و فاشیستی جلادان در اوین تعداد کثیری از زندانیان بشدت مجروح شدند و زندانیان مجروحین را بدون هیچگونه امکانات درمانی دربند ها و سلول ها رها ساختند. پس از این یورش وحشیانه حالت فوق العاده در زندان حکمفرماست. جلادان که از مقاومت دم فزون و گسترش یابنده زندانیان خشکین و عصبی شده ندبه آزار زندانیان می بردا زند و تلاش مذبحا نه ای برای درهم شکستن روحیه زندانیان آغاز کرده اند رژیم در شرایطی که زگسترش جنبش اعتراضی توده ها بر علیه ادامه جنگ و دیگر سیاستهای ضد مردمی خود به وحشت افتاده است، فدائینقلابی خود را متوجه زندانیان ساخته است.

شواهد نشان می دهد که جان زندانیان سیاسی بویژه، در اوین در معرض تهدید است و امکان گسترش اقدام های دسته جمعی و گروهی زندانیان در لحظه افزایش می یابد و شرایط زندگی زندانیان هسوروز بدتر می شود. در اعتراض به این سفاکی های جلادان اوین و به منظور نجات جان زندانیان خانواده های زندانیان در حرکات اعتراضی تازهای را آغاز کرده اند. از جمله گروهی از خانواده برای اعتراض به این وضع وخیم رهسپار قم شدند.

ما با ردیکر همه مردم انقلابی و آزادیخواه میهن، تمامی سازمانهای سیاسی ترقیخواه و همه محافل بین المللی برای نجات زندانیان سیاسی در ایران فرامی خوانیم.

پیرامون قانون ارتجاعی

"شوراهای اسلامی کار"

در صفحه ۶

به یاد دهمین سالگرد

شهادت رفیق بیژن جزنی

و همزمان



۱۵ سال از شهادت رفیق بیژن جزنی و همزمانش می گذرد. ۳۰ فروردین سال ۵۴ ساواک جنایتکار شاه رفقا بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، سعید کلانتری، عزیز سمرندی، عباس سورگی، محمدچوپانزاده و احمد جلیل افتخار زهربران و بیا به گذاران سازمان فداییان خلق ایران و مجا هدین خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل را طی توطئه ای پلید در تبه های اوین شیرباران کرده است. ساواک و ذیالانسه در روزنامه ها اعلام کرده که این فرزندان پاکباخته خلق در راه انتقال از زندان اقدام به فرار کرده بقیه در صفحه ۴

اعلامیه مشترک  
کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، اکثریت،  
علیه جنگ باخیزیم! صفحه ۲

پیام مشترک  
کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، اکثریت،  
بمناسبت اول ماه مه صفحه ۳

علیه جنگ، برای صلح، باخیزیم!

خلق برمی خیزد بقیه از صفحه اول

با طلاق های هویزه و اوج گیری بکلی بی فرجام سابقه جنایت میان رژیمهای حاکم بر ایران و عراق ، بمباران وحشیانه شهرها و مناطق مسکونی که همگی قابل پیش بینی بود ، بمباران رژیم با زهم زلفتگرده است . خمینی کشور را به جای کشانده که در طبع با بخا هدی بیدید ، با بیدر ضعیف ترین موضع در طی سه سال گذشته آن را بیدید و اگرنید بسرد فردا شرایط با زهم وخیم تر خواهد شد . اکنون برای اولین بار طی سه سال گذشته سران رژیم در دنیای دور افتاده اند که برای بر کردن این چاه ویلی که به دست خود کنده اند چاره ای بیابند در حالیکه همچنان از اغرای جنگ افروزان در رابطه با تکسراسر می کنند . فعالیت دیپلماتیک در رابطه با جنگ ایران و عراق دوباره اوج گرفت که در این میان فقرای دکنوینا ریدیرکل سازمان ملل متحد به تهران و بغداد از همه شاخس تراست ، تلافی رژیم در طول یک ماه گذشته این بود که ضمن استقبال از این فعالیتها دیپلماتیک اصل مساله جنگ و صلح را تحت الشعاع قرار دهد و موضع سران رژیم در مساله جنگ و صلح به موضع اصلی مذاکرات تبدیل نشود ، زیرا سران رژیم بقدر در باطلی جنگ فرورفته اند که دیگر اکنون بساطت با یک گفت آند را به ادا هم جنگ به همان اندازه بیرونه و سردرگم اند که در باره پایان دادن به آن . اکنون رژیم جمهوری اسلامی همراه با تمام تها و تها و تناقضات درونی و لاینحلش با تمام وجود به سوی تشدید با زهم بیشتر بحران درونی کشیده می شود . جنگ عامل مهم تشدید تناقضات درونی سیستم ، عامل مهم تشدید تناقض میان خلق و ارتجاع حاکم است . اکنون مبارزه در راه صلح به عمومی ترین عرصه مبارزه علیه سیستم حاکم مبدل گردیده است .

اعلامیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

هم میهنان عزیز!  
 اعمال رژیم خونریز و جنگ طلب جمهوری اسلامی مردم زحمتکش کوی ۱۳ آبان در جنوب تهران را که به دامه جنگ اعتراف داشتند به خون کشیدند . اما این جنایت آتش خشو و اعتراف حق طلبانه مردم را شعله ورتراست . تظاهرات وسعت گرفت و مردم شهیدانده سررا منطقه را بر عرصه تظاهرات اعتراضات علیه جنگ و علیه این رژیم ستمگر مبدل ساختند . در این تظاهرات اعمال رژیم عده ای از مردمی را که صلح می خواستند را کشتند و عده بیشتری را مجروح کردند . مطبوعات رژیم از دستگیری مدها توده ای و فدایی خبر داده اند .

جنگ ویرانگر و خا نما سوزا بران و عراق و قوا به مرحله جدیدی وارد شده و قربانیها و ویرانیهای بیشتر و بیشتری را موجب گردیده است . در تهران ، بیروجر ، در قزوین و دیگر شهرها مردم علیه جنگ و برای صلح به تظاهرات برخاسته اند ، اعتراف به حق توده ای به ستوه آمده از جنگ روز بروز ادا منتهی وسیع تری به خود می گیرد . در این میان کسبام جمهوری اسلامی بنا به سنت دیرین ارتجاع و استبداد خشم خود را بر سر مردم بی دفاع قرومی ریزند . بیدادگری رژیم فرزندان در بند خلق را همچنان به مرگ تهدید می کند .

تظاهرات پر خروش مردم بقیه از صفحه اول

بدرین ترتیب مردم به جان آمده حله ۱۳ آبان که در اوا مثل فیوردین ماه سال محله بیدفاشان آماج بمباران به سبب افکنش رژیم چنانیکه رسام قرا گرفته بود و تعدادی از زحمتکشان در خیابانهای شهر یور ۱۳۷ کشتو مجروح شده بودند و مردم هنوز لبها سیخا به تردها شتند با آتش مسلسل های آبی در رژیم خمینی مواج شدند . در این تظاهرات تعدادی کشته و مجروح و عده ای از تظاهرات کنندگان دستگیر شدند . کامیونتهای تغیر و توبیلیاتی این تظاهرات از دستگیر شدنشان بسوی بازداشتگاههای متعدد تهران بجرکت ترا شده و پس از پایان تظاهرات نیز اوباشان تعصب ادا می از تظاهرات کنندگان را که در جریان تظاهرات شناسائی کرده بودند در خانه های شان دستگیر کردند . با وجود این همه وخیشگری مردم با تهور کم نظیری مقابلهت کردند . زنان که در این تظاهرات نقش فعالی داشتند پس از آغاز دستگیریها و وسیع برای رها شدن ادا زندانیا نیز اوباشان ر هسپار کمیته محل شدند و با عقب نشاندن پاسداران برای آزاد کردن زندانیا وارد کمیته شدند در این یورش جوانه خسارات زیادی به ساختمان کمیته و خود روهای آن وارد شد .

با آغاز تارکی تظاهرات برآکنده در سراسر محله و برخی محلات مجاور . گسترش یافت و ارگانهای سرکوب قادر به کنترل وضع نبودند . حرکت دلاورانهم مردم محل تا پاسی از نیمه شب نیز ادا به یافت . در روزهای بعد نیز با وجود ادا مده باش کامل ارگانهای سرکوب در سطح تهران با زهم در برخی نقاط دیگر تظاهرات برآکنده دیده می شد .

علیرغم کوشش رژیم برای مخفی نگه داشتن دامنه و ابعاد این تظاهرات با تلاش فدائیان خلق و دیگر نیروهای انقلابی و مترقی ، خبر مبارزه مردم علیه رژیم روز بعد به اکثر شهرهای بزرگ ایران رسید و اشکاسی جهانی نیز یافت . در نتیجه مسئولان حکومتی پس از سکوت چند روز مجبور شدند وقوع تظاهرات در تهران را تأیید کنند . در مناطق نوریطی سخنانی اعلام کرد که فدائیان (اکثریت) توده ایها و مجاهدین در این تظاهرات شرکت فعال داشته اند و روزنامه اطلاعات از قول قائم مقام کمیته هاز دستگیری ۳۰۰ نفر از فدائیان اکثریت توده ایها و مجاهدین خبر داد .

پس از تظاهرات کوی ۱۳ آبان وضع تهران هنوز هم متنشخ است در همین ارتباط رژیم به استقبال گروهی از پاسداران ازجبهه ها به تهران نراه انداختن چماق داران با مصالح حزب الهی برای اربا بر مردم اقدام کرده است .

چندین روز است که اوباشان موثوسوا ربا مصلاخ حزب الهی با عنوان تکراری مبارز علیه بیجایی و برابری حفظ شون اسلامی در نقاط مختلف تهران به توهین و تحقیر و آزار مردم به جان آمده برداخته اند . حکومت که از تکرار تظاهرات در تهران بیم دارد سعی می کند این اوباشان را در سطح شهر

علیه جنگ بیاخیزیم!

به هم رفته اند . اما شمره این دادخواهی بی احترامیه و خشونت ما موران رژیم بوده است . حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با دیگر با نفرت و انزجار این جنایات رژیم و سیاست ضد مردمی و ضد ملی و جنگ طلبانه آن را به شدت محکوم می کنند و همه نیروهای ملی و دموکراتیک ایران را به مقابله و ایستادگی و اعتراض علیه آن فرا می خوانند .

هم میهنان عزیز!  
 با استفاده از هر فرصت مناسب از تظاهرات که علیه جنگ صورت می گیرد پشتیبانی کنید . رژیم ارتجاعی و استبدادی حاکم را به تسلیم در برابر اراده خلق و ادا رسا بید . حکا جمهوری اسلامی برای اجزای سیاستهای ضد ملی و جنایتکارانه خود از آتش زدن به هستی شما با ندرند . راه بیرون رفتن از فاجعه نا بود کننده جنگ ، گسترش تظاهرات اعتراضی و شرکت هر چه وسیع تر در مبارزه با ظلم است . بیاخیزیم و با اعتدال بات و تظاهرات خود به این جنگ خا نما سوز و جنایات بیشتر ما نه ارتجاع حاکم خا نمه دهیم .

زنده باد صلح!  
 پیروز باد مبارزه متحد و متشکل مردم صلح دوست و آزادخواه ایران علیه هیستات حاکمه ارتجاعی و استبدادی

کمیته مرکزی حزب توده ایران - کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)  
 ۲۴ فروردین ۱۳۴۴

برای مقابله بصورت آماده نگه دار آتان علاوه بر درگیر شدن و مضروب کردن مردم به بیانه های مختلف به اقدامات مشغول کننده ای از قبیل قیچی کردن لبها سیخا سیخا و زدنشان در خیابانها یا بیرون زدن ولی گرفتار شدن متعددیشانگر ایستادگی مردم در نقاط مختلف تهران و مقابله با این اوباشان است .

در پی تظاهرات گسترده مردم جنوب شهر تهران کمیته مرکزی سازمان و کمیته مرکزی حزب توده ایران با لافا قاصه اعلامیه مشترکی در کشتن توطئه سکوت رژیم و افشای جنایت تازه آن انتشار دادند کمیته ایالتی سازمان مادر تهران و واحدهای گوناگون سازمان در جنوب تهران در این رابطه اعلامیه و تراکتی انتشار داده و خبر تظاهرات و درگیریهای کوی ۱۳ آبان را وسیع منعکس ساخته و جنایات رژیم را افشاء و محکوم نمودند . نشریه اکثریت ارگان سازمان در خارج از کشور فریاد خلق را به گوش جهانیان رسانید .

تظاهرات بزرگ ۲۱ فروردین اولین تظاهرات علیه رژیم نیست . آخرین آن نیز نخواهد بود . طی ماههای اخیر شهرهای گوناگون کشور شاهد اعتراض گسترده و تظاهرات زحمتکشان میهنمان علیه رژیم جنایتکار و جنگ طلب جمهوری اسلامی بوده است . تظاهرات گسترده میروا در ۶۳ مردم تهران تظاهرات وسیع دی ماه ۶۳ مردم درود ، تظاهرات اسفند ماه ۶۳ مردم بروجرد ، اوزاراضهان ، تظاهرات آذر ۶۳ و فروردین ۶۴ مردم تهران ، اراک ، بروجرد ، سوسنگرد ، انزلی و بیرون که غالباً با وجود مزدوران حکومتی مواجه شده اند ، همه وهمه حاکی از اوج گیری مبارزه توده ها علیه جنگ و رژیم ارتجاعی خمینی است .

بازهم جنایت

سران جنایتکار رژیم همچنان به اعدامهای وحشیانه فرزندان انقلابی و مبارز خلق ادا مده می دهند . روزنامه ما اطلاعات ۱۴ اسفند ۶۳ خبر می دهد که سران رژیم ۴ تن مجاهد خلق را در ملاعام در شیراز اعدام کرده اند . علاوه بر اینها ۱۹ اسفند اعلام کرده است ۱۵ تن دیگر از مجاهدین در سایر اعدام شده اند . این اعدامها گوشه ای از کشتار رنجهان و آشکارا از انقلابیون توسط رژیم است . کشتار و اعدامهای روز افزون و ادا مده است سرکوبگران علیه احزاب و سازمانهای انقلابی و مبارزهیچگاه قادر نخواهد بود رژیم خمینی را از طوفان جنبش توده ای گسترش یافته بنده نجاشد . سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ضمن محکوم کردن کشتار وحشیانه انقلابیون ، یکبار دیگر تمامی سازمانهای انقلابی ، دموکراتیک و فدا مبریا لیست را به مبارزه ای یک صدا و یکبارچه و متحد علیه است با زدا شتیا ، گنجه ها و کشتارهای جنایت آمیز رژیم فرا می خواند .

رسانه های فریاد اعتراض خلق علیه شکنجه و اعدام

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران!

فرا رسیدن جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی بین المللی کارگران را به شما مدافعان بیگسار ما جای مردمانی انقلاب بهمین و مبارزان بیشور و ثابت قدم راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح با دستان می گوئیم.

اول ماه مه عید کارگران سراسر جهان است. در این روز کارگران کشورهای سوسیالیستی دستاوردهای عظیم و تاریخی خود را به معرض نمایش می گذارند. صدها میلیون کارگر در کشورهای سرمایه داری این روز را در صفوف متشکل و متحد به روز تجزیه و تحلیل و مبارزه می گذرانند. برای صلح، آزادی و دفاع پیگیر از حقوق منصفانه و سیاسی خودتجدید می کنند. در میهن ما نیز با وجود دشواریها و بیورش همه جانبه و دشمنی نیروهای ارتجاعی به جنبش کارگری، همواره جشن اول ماه مه برگزار شده و خواهد شد. اعمال نسیز سزمداران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگر با توسل به شیوه تهدید و آزار با خواستند کوشیدند تا مانع برگزاری مراسم اول ماه مه شوند. اما علیرغم همه دشواریها باید جشن اول ماه مه را هر چه گسترده تر برگزار کرد و با مبارزه حق طلبانه خود هر چه بیشتر به افشای این رژیم ضدکارگری و ضد خلقی پرداخت.

کارگران و زحمتکشان مبارزان!

جشن اول ماه مه در شرایطی برگزار می شود که صلح جهانی به خطر افتاده است و جنگ زندگی برانداز هسته ای، هستی مردم همه کشورهای تهدید می کند. آمریکا و متحدانش، موشکهای هسته ای جدیدی در اروپای غربی مستقر کرده اند و تلاش می کنند با استقرار سلاحهای هسته ای فضای کیهانی را نیز به عرصه مسابقه تسلیحاتی تبدیل کنند. در مقابل به سیاست ضد بشری امپریالیستی، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر و دیگر نیروهای آزاده و صلح طلب جهان مبارزه پیگیر و قهرمانانه خود را در راه صلح، کاهش تسلیحات نظامی و صلح سلاح هسته ای ادامه می دهند.

اول ماه مه باید به سکوای بیگسار کارگران و زحمتکشان کشور ما در همبستگی با نیروهای مترقی و صلح دوست سراسر جهان برای حفظ صلح و امنیت خلقها تبدیل شود. اعمال نسیز، مراسم اول ماه مه در ادامه جنگ خانمان برانداز رژیمهای ایران و عراق و بسیاری از مردم بی دفاع و در میان آتش و خون برگزار می شود. در این جنگ امپریالیسم برافروخته، تاکنون صدها هزار رنقر از زحمتکشان در کوشش با ختنه، میلیونها نفر آواره و بی خانمان شده اند، بسیاری از شهرها و روستاها، محلات مسکونی و مراکز بزرگ صنعتی وکشاورزی به تسلل خاکستری تبدیل شده اند. رژیم خودکامه جمهوری اسلامی همچنان با طرح شعار توسعه طلبانه "جنگ، جنگ تا پیروزی فرزندان زحمتکشان را به کام مرگ و نابودی می کشد و نود و نهمین راه برای ارتزاق زحمتکشان و وابستگی هر چه بیشتر کشورهای نامحارات امپریالیستی نظامی و غیر نظامی فراهم می کند. شعار قطع فوری جنگ و مذاکره در راه صلح عادلانه را در اواسط خواستهای خود قرار میدهد. نگذارید رژیم کسی را روانه جبهه های بی باک و کشتن جنگ کند. نگذارید بخشی از دستمزدها چیر شما به عنوان کمک به جبهه ها به جیب غارتگران داخلی و نامحارات امپریالیستی سرازیر شود. هر چه متحدتر و متشکل تر، با

اختلاف شیوه های گوناگون مبارزه، از کم کاری و نظا هرات موضعی گرفته تا نظا هرات وسیع و اعتماد با همگانی برای پایان دادن به این جنگ خانمانسوز بیا خرید. در سالهای اخیر از دیهای دموکراتیک بطور کلی در جامعه ما از بین رفتند است. شور و خنقا ریز به روز بیشتر شدیدی می شود. احزاب و سازمانهای مترقی یکی پس از دیگری مورد بیورش وحشیانه قرار گرفته اند. سران رژیم ضد مردمی مذبحگاه تلاش کرد دست از حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر سازمانهای انقلابی و سندیگاهای کارگری و اتحادیه های صنفی زحمتکشان را متلاشی سازد. در این راه دهها هزار تن از مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و صلح و مدارا فغان و آقعی امپریالیست و دموکرات زحمتکشان در میهن توسط ارگانهای سرکوب و شکنجه سیر شده و گروه بسیاری از شهیدترین فرزندان خلق و پیشروان جنبش کارگری، زیر شکنجه و در میدانهای اعدام به شهادت رسیده اند. انتشار مطبوعات نشریات و کتبهای انقلابی و مترقی ممنوع اعلام شده است. تحقیق عقاید به سطح سیاست رسمی دولت ارتقا یافته است و ارگانهای سرکوب و شکنجه حتی در مصومی ترین مسائل شخصی و خانوادگی زحمتکشان به بطور مستقیم و غیر مستقیم دخالت می کنند. گشتی سران رژیم به جای رسیدن به اهداف است که دشمنی و مخالفت خود را حتی با اعلامیه جهانی حقوق بشر رسماً و علناً اعلام می کنند.

روز اول ماه مه را باید به روز مبارزه کارگران و همه زحمتکشان کشور را طر احیای آزادیهای دموکراتیک، نجات نیروهای مترقی از زندانها و شکنجهگاهها، حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی و شهدای برج انقلاب تبدیل کرد. در این سالها هزاران تن از مردم قهرمان و درستان و نیروهای مترقی و دموکرات در راه کسب خود مختاری و برخورداری از حقوق ملی خود در میسر و نبرد رویاروی رژیم خودکامه به شهادت رسیده و دهها هزار تن از مردم بیگنا و آواره کوهها و دشتها شده اند. باید علیه کشتار خلق کرد و در راه برخورداری خلقها از حقوق ملی بطور متحد و پیگیر مبارزه کرد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

سران رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان از هیچ کاری نیستی به شما مردم زحمتکش فریاد زنگ زده اند و بخوانند کرد. آنها سیاه ترین قوانین، از جمله کلیات لایحه فوق ارتجاعی "حدود و شیوه نامه لیت تولیدی بخش خصوصی" در صنایع و کشاورزی را به تصویب رسانده اند. اجرای چنین قوانینی به منزله سیردن کلیه اقتصاد کشور و هستی کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکشان را زنگار است. کارخانه ها و زمینها و دیگر اموال مصادره شده و شورشهای ملی که شما زحمتکشان با نشان خون از خلق موم دشمنان طبقاتی خود بیرون کشیده اید، به کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان سیرده می شود و با زاری و آوازی و اقتصاد کشور بر روی بیشتر به عرصه تاراج انحصارات خارجی و شرکای داخلی آنها تبدیل می گردد.

اولیوت هزینه های سرسام آور جنگ که اساس برنا مهریزی دولت را تشکیل می دهد، صنایع و کشاورزی کشور را به رکود و ورشکستگی کشانده و هزاران کارگر و دهقان را زنده شده از کارخانه ها و مزارع به اردوی عظیم بیگاران پیوسته اند. رژیم برای فریب افکار عمومی طرح فروش سهام کارخانه های دولتی به نام کارگران را مطرح می سازد. هدف این طرح که همان "اصل سیزدهم انقلاب سفید" شاه مخلوع است، جلوگیری از رشد مبارزه طبقاتی، تشدید بهره کشی

و تشویق همکاران مسالمت آمیز "بین کارگران و سرمایه داران می باشد. باید پرچم مبارزه گسترده برای حفظ دستاوردهای انقلاب، علیه قوانین ضدکارگری و ضد خلقی، علیه احیای نظام منضط سرمایه داری وابسته، علیه فروش کارخانه های دولتی و در راه پایان دادن به بیماری مزمن بیگساری، را در سراسر کشور برافراشت. طبقه کارگر بیگنا به پرچم مبارزه زحمتکشان می شود و نباید یبدا سیاست ایران بر برباده رژیم بعثت بله فرایگیر بخیزد.

کارگران آگاه و مبارزان ایران!

سالهای اخیر کارگران را رژیم تلاش می کردند تا لایحه ضد کارگری "بیانش نویسی قانون کار" را به تصویب برسانند. اما افشاگریهای آگاهها و به موقع حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و اعتراض و مبارزه قهرمانانه شما کارگران، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. اکنون سران جمهوری اسلامی قصد دارند که با استفاده از جوشور و اختناق همان قانون کار را در لایحه جدید تصویب مجلس شورای نگهبان بگذرانند. باید با مبارزه متشکل، سازمان یافته و متحد خود در مقابل این تصمیم ضد کارگری ایستادگی کنید. به قانونی که طرفدار سرمایه داران و حقوق شمارا با یامل کند ندهید.

در آستانه سال نو، رژیم خمینی با تصویب قانون ارتجاعی "تشکیل شواهای اسلامی کار" خیانت دیگری علیه شما مرتکب شد. هدف رژیم، برانگیزش طبقه کارگر و جلوگیری از اتحاد دویگانگی شماست. رژیم با اتکا به این قانون مستقیماً در انتخاب شوراها کار به نفع صاحبان سرمایه، و مددکاران و اعمال نفوذ می کند.

باید ضمن مبارزه علیه این قانون ضد انقلابی، در مقابل دخالت دشمنان طبقاتی در انتخاب اعضاء شوراها کار رفا و مت کند. باید برای دفاع از حقوق خود، سندیگاهها و اتحادیه های مستقل کارگری را سازمان دهد. در درون کارخانجات، عناصر ضدکارگری و آژان جمله عوامل سیاه، کمیتها، دوا بر حراست، انجمن های اسلامی و غیره را که همیشه با سوسان رژیم و عوامل سرکوب شما عمل می کنند، از خود برانید و افشاء کنید. نمازینندگان واقعی خود را انتخاب کنید. گردنمایندگان واقعی خود خلقه بزنید و کارگران رژیم را از سنگسار کارخانجات به عقب برانید.

در سالهای اخیر با وجود تورم و گرانی سرسام آور و علیرغم اعتراضها و مبارزات زحمتکشان، رژیم از افزایش حداقل دستمزد کارگران سرباز زده، در حالیکه هزینه زندگی روز بروز بالاتر رفته و فشار اقتصادی سبب شده است که بخش عظیمی از کارگران آزاده را زندگی خود را جرمایانند.

ادامه مبارزه در راه افزایش دستمزدها و حقوق و مزایا، طرح عادلانه طبقه بندی مناعل، دریافت سود ویژه، افزایش سهمیه شغلی و نیهای کارگری، تامین زمین و وام و مصالح برای تعاونیه های مسکن کارگری، بهبود شرایط و کاهش ساعت کار، تدوین و اجرای قانون تامین اجتماعی و مقررات جامع مربوط به حفاظت و ایمنی کار، و نیز مبارزه علیه خراج کارگران زن و تعطیل خود سرانه مهد کودکها و دهها مورد ظلم و تبعیض دیگر از جمله وظایف روز مسره شماست.

کارگران مبارزان ایران!

کارگران در سالی که گذشت نشان داده اند که سنگسار اصلی مبارزه خلق علیه ارتجاع حاکم هسته ای، اعتماد با بزرگ کارگران در خانیات تهران، شرکت ساسان و سوزیه کارگران ذوب آهن اصفهان و نیز پیگیری ارتجاع حاکم فکند. حمایت بین المللی از کارگران ذوب آهن و نیز همبستگی قاطعانه بخش مهمی از کارگران کشورهای آنان نشان بارز قدرت و آگاهی طبقه کارگر ایران است. اینک موج اعتمادیای دم افزون در کارخانجات کشور، از جمله در بالایشگاهها، نساجی ها، فولاد مبارکه، مس سرچشمه، چوکا و دهها واحد کوچک و بزرگ صنعتی دیگر گواه آن است که طبقه کارگر در شرایطی با سلاح برنده اعتماد می تواند به طرز موثری در روند حوادث جامعه نقش تعیین کننده ایفا کند. اعتماد در حقیقت به حربه کار ساز و مهم مبارزه اعتراضی و مطالباتی مبدل شده است.

باید ادامه اعتماد با بزرگ کارگری را هر چه گسترده تر کنید. باید در اسلام همبستگی با کارگران اعتمادی هروا ضد صنعتی از هیچ تلاشی فروگذار نکنید و بدین ترتیب با بارز قدرت، زمینه تحقق حقوق و نیهای خود را در عرصه هر چه بیشتر فراهم کنید. در شرایط اختناق کنونی، پیشروترین و با تجربه ترین کارگران برای رهبری مبارزه طبقه کارگر، هسته های محلی تشکیل می دهند. تشکیل اینگونه هسته های برای هدایت و تداوم مبارزه هر روز اهمیت بیشتری پیدا می کند. رهشودهای این هسته ها علاوه بر راهنمایی عمل کارگران مبدل می شود. باید در موسسات تولیدی و خدماتی در جهت تشکیل و تقویت این هسته ها، با هشیاری و دقت تمام اقدام نمود.

کارگران و زحمتکشان ایران!

حیات جامعه در گرو کارخانجات و اتحادیه های کارگران است. رژیم سلطنتی وقتی سقوط کرد که کارگران اعتماد با بزرگ کارگران را آگاه زکند و شیره های نفت را بستند. رژیم جمهوری اسلامی نیز قاعدتاً در برابر قدرت متحد شما ایستادگی کند. حاکمیت ارتجاعی می کوشد تا به خواستهای حق طلبانه شما با سرکوب و آزار و خراج و زندان پاسخ بدهد. اما تجربه نشان داده است که مقاومت شما این حربه ها را کند و بی اثر می سازد.

امروزه مرجعین حاکم، سلطنت طلبان و امپریالیست و دیگر نیروهای ضد خلقی، بیچاره زهر زمان دیگر تلاشی می کنند به تفرقه میان نیروهای انقلابی دامن بزنند و نگذارند شما زحمتکشان را به هم پیوسته کنید. باید توطئه آنها را با هوشیاری هر چه تمام تر خنثی ساخت. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران سنگرمبارزه شما هستند. از سنگر خود دفاع کنید و در راه دژ استوار بیگنا را خلق علیه ارتجاع حاکم بدل سازید. با اتحاد خود به حاکمیت ارتجاعی پایان دهید و بقیه امپریالیسم و فدا انقلاب مغلوب برای تسلط مجدد بر کشور را بر هم بزنید و راه حاکمیت خلق را هموار سازید. پیروزی از شماست.

گواهی با اول ماه مه  
زنده با طبقه کارگر ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران - کمیته مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

به یاد دهمین سالگرد شهادت رفیق بیژن از صفحه اول

و کشته شده اند. این جنایت کثیف از همان هنگام برای مردم آشکارا شد و موجی از خشم و نفرت علیه رژیم در کشور دردمان بین المللی برانگیخت. رفیق بیژن، جزئی در سال ۴۲ گروهی مارکسیست - لنینیست تحمیل داد که بعدها به گروه جزئی شهرت یافت این گروه انقلابی که در جستجوی راهی برای مبارزه انقلابیون کمونیست بود راهبری رفیق بیژن جزئی آغاز گردید و او را به رهبری و کماندوگری و نیز به رهبری و کماندوگری در گسترش مبارزه انقلابی در ایران ایفا کرد. پس از آن ارت رفیق جزئی وعده ای از همزمانش مبارزه آنها قطع شد، بلکه این رفتار در زندان و بیرون از زندان خارج از زندان با تمام توان رزم انقلابی خود را پی گرفتند. رفیق جزئی و یاران او همزمان ۷ سال زندان، زبردستترین شکنجه ها و فشار بازجویی ها بی پایان برداشتند و قهرمانان آنها ایستادند و روحیه و عزیمت الهام دهنده همواره سمبل مقاومت و پایداری مبارزه بوده اند. رفیق جزئی با تجربه ای سرشار از سالها مبارزه سیاسی، نه تنها نقش بزرگ در تربیت سیاسی و آموزش انقلابی فداییان خلق، تدبیر دیدگاهها، مواضع سیاسی و تاکتیکی سازمان و در واقع هدایت و رهبری نظری فداییان خلق داشته است.

اعتقاد عمیق او به دستاورد های مسترک انقلاب کبیرا کتب و سوسیالیسم واقع موجود، ایستادگی در برابر برکسانی که میخواستند همه تاریخ جنبش کمونیستی ایران را نسی کنند، تلاش برای متکدی کردن پیش و نظرها زمان به اصول انقلابی و روندهای عینی و واقعی، در جموع خود به تقویت و تکوین پیش و پیش و پیشی ما را کسب می - لنینیستی سازمان بسیار کمک کرد. همین خصوصیت بود که رفیق بیژن راهواره مورد خمش و کین چپ روان و چپ نمایان ما شوکیست. قرار می داد. رفیق بیژن جزئی، انقلابی بیگانه با تلاش خستگی ناپذیر و با وجود همه دشواریها و خطراتی که در زندان او را تهدید می کرد، در هدایت نظری سازمان شرکت بی بدیل داشت. هم از این رو بود که در زمین رژیم در نهایت هر اس از نقش روزافزون رفیق جزئی در مبارزه گسترش یافته فداییان خلق و نیز برای درهم شکستن سنگران انقلابی زندستان، ناخواسته امر شده و چنانکه کارانه دست به سرور او و یارانش زدند. اما علیرغم این جنایت بزرگ و ضربه سنگین آن بر جنبش انقلابی ما، رژیم متفور شاه هیچگاه نتوانست خلی در عزم و رزم فداییان خلق پدید آورد. رفیق جزئی بحران عظیمی را که کشور در آن استانه آن قرار می گرفت با تاکی بدیش بیسی کرده و روندهای تحولات جامعه و موقعیت نیروهای سیاسی را با ژرف اندیشی و تیزبینی مورد نظر داشت. این مواضع در هدایت فداییان خلق طی پروسه انقلاب سهمی میهدا شده و حقا نیت خود را نشان دادند.

با طمئین با یادگفت که تلاشی بی وقفه و عمیقاً با دقانه رفیق جزئی برای درک و تهجیز خلقتا نه به مواضع ما را کسب - لنینیسم و روشن بینی، خلایقیت و توان ادر تحلیل اوضاع سیاسی و جنگی بردشواریها، فداییان خلق را در ادامه تحول خود و ارتقا به مواضع همانجا به پیشا هنگ طبقه کارگر ایران یاری داده است. شش تن یاران شهید رفیق جزئی، بویژه رفیق حسن ضیا، ظرفی در این کوششها سهم بسزایی داشتند. رفیق ظریفی در میان فداییان خلق همواره به رمنا به رفیقی اندیشمند و خلاق که بیشترین همکاری فکری را با رفیق جزئی داشت، شناخته شده است. هر یک از هفت سارهای که در سپیده دم ۳۰ فروردین آماج گلوله های دزخیان شدند در تاریخ ما نقش بسزا ایفا کردند. امروز رژیم شاه در گورخفته است، اما حماسه شهید فدایی و مجاهد در قلب همه انقلابیون و میهن پرستان زنده است. حماسه زندگی و شعر پر شور شهادت آنان به روزندگان راه آزادی و به روزی مردم ایامی دهنده با همه جان و لبا همه توان برای نابودی رژیم منط و قرون وسطای جمهوری اسلامی، کسه بس ددمنشانه ترشیغ برکلی میهن پرستان نهاده رزمندویه پیروزی قطعی خویش مطمئن شرونند.

کا ملاشور بیژن، خوا هدرفت. با یاد آکا هترین و با تجربه ترین معلم با دوره جمع شونندوبارعا یست پنهارنگاری، رهبری مبارزه رزمه معلم را به عهده گیرند و از مای اشکال مبارزه، از دامن زدن به حرکت و اعتراضات فکری تا اعتماد جمعی در هر جای که امکان پذیر باشد استفاده کنند. معلمان یقینا با شکل و اتحا د خود می توانند خواسته های سیاسی و صنفی خود را به رژیم تحمیل کنند و راه را برای ایفای نقش واقعی معلم را هموار سازند.

پایان دهه زن نزدیک میشود

گسترده، وضعیت زنان در بسیاری از کشورهای دنیا به بهبودی کسب نکرده، بلکه شرایط سخت تری نیز به آنها تحمیل شده است. بویژه در کشورهای در حال رشد در نتیجه فقر شدید و عقب ماندگی ناشی از تسلط امپریالیستی، فشار عدم تساوی بر زنان بسیار سنگین تر است. همچون کنفرانسهای پیشین، کنفرانس امسال نیز محته ای از مبارزه زنان برای برابری و رفع ستم خواهد بود. وضعیت زنان میهن ما در طول این دهه خود نیازمند ارزیابی جداگانه است. گرچه شرکت فعال و ایستادگرایانه زنان در انقلاب بهمین حیات سیاسی نوین و تجارب بسیار ارزنده ای را برای جنبش زنان ایران فراهم آورد، اما سلطه حاکمیت ارتجاعی و استبداد، بی حقوقی مطلق را در همه عرصه ها به زنان ایرانی تحمیل نمود. در جمهوری اسلامی وضع زنان نه تنها بهبود نیافت، بلکه به مصیبت با ترسین وضعیت در جهان معاصر تبدیل شد. از اینرو وضعیت زنان میهن ما می تواند دوباره یکی از مهم ترین مسائل مورد بحث کنفرانس نایروبی باشد. در این شرایط، نبردهای انقلابی و ترقیخواه ایران باید بکوشند تا این کنفرانس را به عرصه افشاء جنایات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تبدیل سازند و با اقدام هماهنگ شرکت کنندگان را به حمایت از زنان ایران وارد آورند و فشار بر رژیم قرون وسطایستی برای قطع شبکاردی علیه زنان میهنمان را برانگیزند.

معلمین، گردان رزمندهای از صف خلق

ضد فرهنگی دهها هزار نفر از معلمان و کارکنان متعدد و مدافع انقلاب دارای تخصص و تجربه آموزشی آماج تصفیه ارتجاعی شدند و به جای آنان افسران بی تجربه و عقب مانده یا مطیع را گماردند. این اقدامات ضد انقلابی کیفیت آموزش و تعداد محصلین را به شدت پایین آورد. هجوم ارتجاع از طریق انجمن های اسلامی، بخش اموری اصلاح تربیتی و دوایر گزینش و با زسازی نیروی انسانی به مدارس و ادارات آموزش و پرورش چنان شرایط خفقان و محیط تیره و تاری را حاکم ساخت که در طول تاریخ پیدایش مدارس جدید در ایران بکلی بی سابقه است. آنها با آخراجهای وسیع، ایجاد شرایط مملو از سوزن های نسبت به معلمان متعهد و مستقل، عدم امنیت شغلی، توهین و بی احترامی به معلمین، تحقیر و فشار روزافزون، به معلمین زن و غیره با احاد کثرت تراش و توطئه گری کوشیدند تا مانع هرگونه شکلگیری مستقل معلمین گردند، کوشیدند تا مانع از آموزش دلسوزانه بویژه آکاگران معلمین گردند.

علاوه بر آن سران رژیم معلمان را تحت فشارهای شدید اقتصادی قرار داده اند. حقوق و درآمد آنها به معلمان نچیب و چه با سخگوی هزینه های کمترین زندگی نمی باشد. مدت ها است هم سطح حقوق آنان ثابت مانده و هر برخی مزایای آنان حذف شده است. هر روز که می گذرد از قدرت خرید معلمین نیز کاسته می شود. در حقیقت معلمان از کم درآمدترین کارکنان دولتی هستند. مساله حقوق و درآمد آنها نه مساله مسکن برای توده معلمان به یکی از خواسته های اعتراضات مهم آنها تبدیل شده است. اکنون این اعتراضات شکل فعال و جمعی به خود می گیرند و بر رژیم علیه سران رژیم سمت گیری می کند. سران رژیم در مقابل خواست معلمان ایستاده اند و آنان را تهدید می کنند و خواست شان را کمونیستی می نامند. ملا در آذرماه گذشته وقتی معلمان بنده را عیاس حقوق مسکن و دیگر خواسته های خود را با آقای وزیر آموزش و پرورش طرح کردند، آقای وزیر عیاسی شده و با لحن توهین آمیزی گفت: " من فکرمی کردم محیط اینجا، حزب الهی است. شما باید مسایل الهی مطرح کنید، شعار کار، مسکن، حقوق و... شعار کمونیست ها است. و باید اصلی جنگ است. با بیدار کلاس جنگ را تبلیغ کنید و ملاش آقای وزیران را برای رفتن به جبهه تشویق کنید" اما علیرغم همه رعا بهها و تضییقات دائمی علیه معلمین، آنها از هر فرصتی که به جنگ آورده خواسته ای خود را مطرح می سازند و برای تحقق آن مبارزه می کنند. اکنون علیرغم فشار رژیم بر معلمان ایران زمین برای توسعه اعتراضات توده معلمان مساعبد می شود. در چنین شرایطی پیدا کردن با تجربه ترین و آکا هترین عناصر صروف معلمان و برقراری آنها میان آنان به منظور رهبری و سازمان نگری مبارزه برانگیزه توده معلمین از ضروریات و وقفه نا پذیر است. در پرتو ماهه های متشکل و اتحا دنیروهای و پیشرو معلمان، مبارزه با رژیم و سیاستهای ضد فرهنگی آن بطشور

در تیرماه ۱۵ سال بهمناسبت با پایان دهه زن، دهه تشدید فعالیت علیه برابری همه جانبه زنان یک کنفرانس جهانی در نایروبی با بیخت کنیا تشکیل می شود. در این کنفرانس ۳۰۰۰ نفر از نمایندگان دولتها و بیش از ۴۰۰۰ نفر از نمایندگان سازمانهای غیر دولتی شرکت خواهند داشت. کنفرانس در نظر دارد با ارزیابی پیشرفتات و مواضعی که در راه تحقق برنامه ها و اهداف دهه وجود داشته است، دورنمای کارتا سال ۲۰۰۰ را مورد بحث قرار دهد و تدابیر معینی برای رفع موانع اتخاذ کند.

زنان که نیکی از جمعیت و یک سوم افراد اشغال جهان را تشکیل می دهند، با کار خلاق در پروسه تولید و آفرینش ارزشهای مادی و معنوی جامعه سهم فعال دارند. با این وجود زنان در پیش از نیکی از جهان هنوز به مثابه انسانهای درجه دوم به حساب می آیند و تحت انواع تضییقات اقتصادی، اجتماع و سیاسی، از جمله در چارچوب خانواده قرار دارند و به سبب بی توجه به آنچیز زنان در بخش وسیعی از جهان می گذرد و به منظور تشدید فعالیت جهت رفع تبعیض از آنان، سی امین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد تصویب کرد که دهه ۸۵-۱۹۷۶ (۶۴-۱۹۷۵) بعنوان دهه ملل متحد برای زنان اعلام شود.

کنفرانس نیی در کنیا (سال ۱۹۸۰) برای ارزیابی کارهای انجام یافته در نیمه دهه تشکیل شد. بر اساس جمع بندی سازمانهای ملی زنان، عضو "فدراسیون دموکراتیک بین المللی زنان"، طی این کنفرانس نشان داده شد که علیرغم تلاشهای

۱۲ اردیبهشت روز معلم و سالگرد شهادت دکتور خانعلی معلم مبارز است. این روز یادآور اعتصاب بزرگ و یکپارچه معلمان تهران در سال ۱۳۴۰ است. این اعتصاب، بزرگترین اعتراض متشکل معلمان ایران در راه تحقق خواسته های خود در دهه ۴۰ بود و با حمایت و همدردی معلمان سراسر ایران رو به رشد، اعتصاب به پیروزی رسید و تیرا معین بر حیات سیاسی آن زمان کشور باقی گذارد. از این پس روز ۱۲ اردیبهشت روز معلم نام گذاری شده و الهام بخش مبارزه معلمان ایران در راه خواسته های صنفی و سیاسی آنان است.

معلمان در میهن ما جزو اقشار کم درآمد و محرومتر جامعه اند و از لحاظ مادی و معنوی همواره تحت فشار بوده اند. قریب نیمی از معلمین در نایروبی آموزش و ادارای وزارت آموزش و پرورش همانند دیگر بخشهای دستگاه دولتی با فساد، رشوه خساری و تضییقات مختلف و با اختناق و استبداد، شاخصی دست به گریبان بودند. این شرایط منشاء مبارزات معلمان علیه رژیم پهلوی بود و هنگام شکل اعتصاب جمعی به خود می گرفت. اعتصاب بزرگ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ و اعتصاب بهار سال ۱۳۵۰ معلمان از ایستادن جملاتند. علاوه بر این معلمین از میان کنندگان عمده افشا و کادریهای پیگیر و ایستادگرایانهای انقلابی بوده و هستند. رفیق صد بهرنگی آموزگار فرزانه و انقلابی و رفقا بهروز دهقانی، علیرضا نابدل، مرزیه احمدی اسکونی، کاظم سعادت، رفیق معماران بنام، گری بیانی، میثمی و... که از بنیانگذاران، رهبران و کادری برجسته سازمان ما بوده اند، همه معلم بوده و در مبارزات معلمین شرکت بسیار موثر داشتند.

با شکل گیری جنبش انقلابی، معلمان نیز به مبارزه جمعی و سراسری روی آوردند. آنها با اعتصابها راهی میانی ها، تحصن ها، سخنرانی و... به هم سیستم ایستهای در آگاهی و بیداری دانش آموزان سراسر کشور و توده های مردم بویژه در مناطق روستایی بر عهده گرفتند. ایجاد کانونها و انجمن های مختلف دموکراتیک و انقلابی معلمان در آن زمان به تشکلات و پس از پیروزی آن نشان دهنده نیرو، آگاهی و عزم توده معلمان در جهت دگرگونی بنیادی جامعه و در سیستم و شیوه آموزش و پرورش کشور بود. با فشار و مبارزه توده معلمان کا مهای در جهت زدودن ظاهر و عوامی استم شاهی در آموزش و پرورش برآوردند. از همان آغاز تشکیل جمهوری اسلامی وزارت آموزش و پرورش در مرکز توجه و توجیه های سران رژیم قرار گرفت. هدف مقدم آنان تصفیه اندیشه نو و پیشرو از طریق اخراج، باز خرید و باز نشسته کردن معلمان آگاه و متفکری بود. در آرای این هسندف ارتجاعی، سران رژیم دست با نه دادن انقلابی انجمن جنبه را بطور کامل باز گذاشتند تا هر چه بیشتر پست و مشغولیتها را تما حب کنند و مفا صد انقلابی خود را در تمام عرصه های سیاسی، اداری، آموزشی و پرورشی به اجرا در آورند. در نتیجه این بطشور

کارگران مبارز و پیشرو! در هسته های مخفی کارگری متشکل شوید!



برای گسترش مبارزه

وجه مشخصه اوضاع کنونی تشدید روز افزون بحران ناشی از ادا مه جنگ و مقابله رژیم با مردم و گسترش فزاینده امکانات مبارزه تودایی علیه رژیم - اکتون با بدبسیا علیه جنگ و برای صلح است. اکتون با بدبسیا پیگیری مستمر روند تحول اوضاع و وظایف روزمره و تاکتیک های مبارزه را با شرایط متحول تطبیق داد و هر چه بیشتر آگاه شد که با حدا کثر نیرو و بکار گیری تمام امکانات، سازماندهی و ارتقاء مبارزه خلق علیه جنگ و رژیم را بر عهده گرفت.

۱ - اکتون وضعیتی پدید آمده که انتقاد علنی و شجاعانه از جنگ و نقل خیر مبارزه مردم علیه جنگ در جاهای مختلف با استقبال مردم مواجه می شود. در صفها و توبوسها و در هر محل تجمع دیگر علیه جنگ تبلیغ کنید. مراکز تجمع را برای آرازیاد دل خیار مبارزه مردم علیه جنگ و اعتراض علیه جنگ مبدل سازید.

۲ - شعار "علیه جنگ برای صلح بیبا خیزیم" را هر چه وسیع تر بر روی دیوارها بپسینید، هر چه بیشتر آنرا در محلات، کیوسکها، اتوبوسها، و در محلهای مناسبت که در معرض دید باشد بنویسید.

۳ - اعلامیه ها و تراکت های ضد جنگ و ضد رژیم را در مدارس، سینماها، کارخانه ها، و در هنگام تعطیلی آنها پخش کنید. در هر محل تجمع سعی کنید تراکت های پخش کنید، لازم است که همواره به مقدار ضرورت تراکت های ضد جنگ و ضد رژیم ذخیره و آماده داشته باشید. اگر در جبهه هستید، آنجا را به جبهه ای برای مبارزه در راه صلح مبدل سازید. ضرورت صلح را با توجه به شرایط بهر طریق که می توانید تبلیغ کنید.

۴ - تظاهرات آبی، آخرین تظاهرات خلسه علیه رژیم نخواهد بود. اولین آن هم نبوده است. به آماج شرايط برای تظاهرات حساس باشید. همواره برای شرکت در تظاهرات و تشویق مردم به شرکت در آن آماده باشید. رژیم تظاهرات سلامت آمیز مردم علیه جنگ را مورد تهاجم قرار می دهد. تجربه تظاهرات زحمتکش جنوب تهران در کسوی ۱۳ آبان حاکی از همین حقیقت است. در صورت برگزاری تظاهرات اولین وظیفه فعالین با تجربه آن است که با ابتکار و اعتماد و متظاهر کنندگان در مقابل یورش را افزایش دهند. با طرح شعارهای مناسب جهت بسیاسی تظاهرات را هدایت کنید.

۵ - همسواران را در کوشش و انعطاف پذیری را با بدبسیا فرخ داد که نیروهای هوادار جریانی سیاسی مختلف سیاسی مترقی در جهت، علیه رژیم علیه جنگ حرکت کنند. از طرح بحث ها و شعارها و از

برخوردهای تفرقه جو یا نه پرهیز کنید. اگر عناصردشمن و یا افراد مغرض باشند از اعتراض مردم برای منحرف کردن لبه تیز حمله علیه رژیم و برگرداندن آن به سوی مردم و نیروهای مردمی استقا ده کنند. با تمام امکانات و امکانات نقشه آنان را خنثی کنید. به هواداران وابسته به نیروهای سیاسی مترقی بهر طریق ممکن کمک کنید. از آنان در برابر اعمال سرکوبگر رژیم فحاشانه حمایت کنید.

۶ - پس از مبارزات و مویش زدن با بگوئید در محل جامعه حضور بیادوبه افشاکری در باره جنگ بر خیزید. نشان دهید که رژیم چینی و صدام همدرد و جنایتکارانند. هر دو فاسد و ارتجاعی هستند. صحنه تشییع جنازه و مراسم ختم شهدای ببارانها و نیز شهدای جبهه ها را به عرصه اعتراض علیه ادا مه جنگ مبدل سازید.

۷ - همواره احتمال قوی دارد که ارگانهای سرکوبگر رژیم پس از تظاهرات ضد جنگ ضد رژیم در تهران و یا در سایر شهرها به سازمانهای مترقی یورش آورند که فعالین شناخته شده را دستگیر کنند. در برابر این توطئه با بدبسیا موا هوشیار باشید. رژیم برای جبران شکست خود می کوشد از زمانهای مترقی انتقام بگیرد. مسئولین واحدهای سازمانی و عتاصر رهبری هر گروه، بویژه گروهی که در حوزه فعالیت آن تظاهرات و درگیری رخ داده است باید با ابتکار و خویشتن اقدامات معینی را انجام دهند که هم هنگامی که عمل رژیم اقدام بدستگیری می کند به آنها دست نیا بند و هم ارتباط خود را با دیگر فعالین برای رهبری مبارزه حفظ کنند.

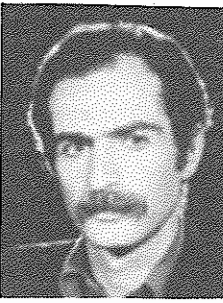
۸ - انعکاس اخبار و اعتراضی و متقا و مت مردم بویژه با زتاب سریع جزئیات تظاهرات در سطح جهسان اهمیت کلاما و ویژه ای دارد. هر عنصر پیشرو و میسازید با بدبسیا خود میداند که فوراً به هر وسیله ممکن تلفین نامه، پیغام، گزارش کامل رویدادها، تظاهرات را به مراکز ارتباطی سازمان و به مسئولین خود برسانند. گزارش باید دقیق، همراه با تمام جزئیات باشد. اگر عکس تهیه شده با شد کیفیت گزارش به مراتب بالا خواهد رفت. انعکاس گزارش در اادیو زحمتکش و دیگر اردیوهای مدافع انقلاب و مطبوعات و رسانه های خارجی مردم را به وسیله ترین شکل در جریان جنبش و روند آن قرار می دهد. واحدهای سازمانی با بدبسیا خود را در زمینه خبر موظف کنند تا گزارشات حتی الامکان به فاصله های نزدیک ارسال شود. خبرهای موثق به دست آمده را با فوراً ارسال کرد و برای تکمیل آنها لحظه ای راهم رفقای عزیز!

رهنموده های فوق را با رفقای تحت مسئولیت خود مورد بحث و بررسی قرار دهید. با تیار با تیار و مشخص تر خود آنها را غنی سازید. حاصل کار را بطور جدا گانه تنظیم کنید و بگوئید که به دست همه عناصر فعال در محیط کار و حوزه فعالیت شما رسا نیده شود.

اخذی مامورین از خانواده های زندانیان سیاسی

درحاشیه و در ارتباط با ادا ده های شروع رژیم، با ندها و شیکه های شکل گرفته که با مراجعه به خانواده های زندانیان سیاسی و دادن وعده آزادی یا تخفیف محکومیت عزیزان آنها و نیز با تهدید آنان تا سرحد ممکن اخذ می کنند. کار این تیپکری دیگر به رسوایی انجام می دهد و به روزی نامه های رژیم نیز کشیده شده است. روزنامه اطلاعات ۲۵ دی ماه می نویسد "یک مرد کلاهبرداری که به دلیل نشاء به اسمی با سید اسداله لاجوردی (جلاد وین) دادستان انقلاب اسلامی تهران خود را به نام و نسبت می داد و بدین وسیله از خانواده های زندانیان برای آزادی بستگان نشان اخذ می کرد به انجام سوء استفاده از نام خانوادگی و کلاهبرداری دستگیر شد." همین روزنامه در ۲۷ دی ماه خبری از ادا ده های فریاد دیگری به آنها اخذ می کرد. خانواده های زندانیان سیاسی را در چ گرد، روزنامه صبح آزادگان در ۲۴ بهمن ماه نوشت "یکی دیگر از زندانیان دستگیر شد... متهم خود را ادا ده های مامور گروه ضربت دادسرای انقلاب اسلامی تهران معرفی و مبالغ هنگفتی از ایشان (خانواده زندانیان سیاسی) دریافت داشته و متواری شده است. وی شش ماه قبل نیز به همین اتهام توسط دادگستری دستگیر و پس از ادا ده های از اذیتها در گذشته است و این نمونه ها گوشه ای از فساد دستگاه قضایی رژیم است.

نوع دیگری از این تیپکریها علیه زندانیان سیاسی و خانواده های آنان این است که جلادان و دژخیمان زندانها که با شکنجه های وحشیانه جسمی و روحی اغلب زندانیان را مضموم و آنان را غلب و مریض کرده اند، بهیچانه پول مدا و اوکیا مصل جراحتی را از خانواده های آنها مطالبه می کنند و زندانیان را مجبور می کنند که از خانواده هاییشان بخواهند که برای خریدار و قرصهای ویتامین درمان و بهر کردن دندان و غیره مبلغ هنگفتی پول بدهند. روشن است که این پولها نیز به جیب



اول ماه مه

بر فراز اردیبهشت سپیدرختی

" طرح "

۱ انقلاب، در خمه ای سنگین برادرم، در تشویشی طولانی همسرم، در بیدار خوابی، تا صبح و زمان، در بی حرکتی مانده است

۲ همسرم، راهی کارگاه خواهد هم. با سلامی صبحگاهی و باز نشینی از مهربانی - بازگشته از صفا - و برادرم، سنگینی داغ آورده است.

۳ سیاهی و خون دلخسته، از کوه های هول و خیالی نهی اضطراب، می گذرم با سبزه ها و وقدا ره بستان بر دیوارها و پیاده روه ها...

در تقاطع، وادع، دبستان برادرم را می لرزاند و چشمان خواهد را خیس می کند و گاه فرزندان را میوه تکی می دارد.

۴ بعد از ظهری دل انگیز، برنده آزادی، به پنجره ام خواهد آویخت حصارها فرمی ریزند به عرصه آفتابها، قدم می گذارم "ترانه" با دسته گلی می آید.

۵ آبشار نقره ای، بیالای از آواز جایی از شعر، سرستی در خنکای نسیم و نوشیدن بیویاس خواهرم ظرفی از بهترین طعام دنیا را به دستم می دهد. و برادرم پشت به امواج شرفی و چهره روبرو شای اردیبهشتی دارد.

۶ در "عروسی" "میترا بوم" گلی به گردن "برنده" خواهد آویخت دست در دست هم روانه کار روپیکار رند فرزندانمان

۷ با تو - برادرم - با زودربا زو موج غرور مندکارگران را می بیما بیم "اول ماه مه" بر فراز اردیبهشت می درخشد:

\* \* \*

### پیرامون قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار"

قانون تشکیل "شوراهای اسلامی کار" که در ۲۲ بهمن ۶۳ تصویب شد، رونوشت فصل هشتم پیش نویس قانون کار ارتجاعی سرحدی زاده است. این قانون از نظر مضمون دارای سوابق اساسی و بهیچین دلیل ارتجاعی است:

اولاً - نقض خشن و آشکار حق برخورداری کارگران از شکل صنفی مستقل. ثانیاً - نقض حق مشارکت کارگران در برنام‌های مریزی و اداره تولید. ثالثاً - معانعت از تشکیل سازمانهای صنفی در واحدهای بزرگ دولتی و صنایع کلیدی از قبیل نفت، فولاد، مس و غیره.

#### نقض حق شکل صنفی مستقل

حق شکل پس از حق کار از ایدیه‌های ترین و پایه‌ای ترین حقوق صنفی کارگران است. این حق مسلم در اعلامیه جهانی حقوق سندیکیایی و مفاصله‌ها و سازمان بین‌المللی کار به ترکیب شناخته شده و دستاورد چنددهه‌ها جنبش‌های سندیکیایی طبقه کارگران است. این حق حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی که به تصویب سازمان خیا ننگار رژیم نیز رسیده است، با تائب یافته است. اما طبق قانون شوراهای اسلامی کار شکل صنفی مستقل کارگری اساساً منتفی است. چه "ابتکار" تشکیل شورای کار و ارتجاعی "انحراف و انحلال" و حق انحلال آن با "هیات تشخیصی"

طبق ماده ۱ این قانون، شورای اسلامی کار مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان از یک طرف و نماینده مدیریت از سوی دیگر است. اضافه شدن نماینده مدیریت به ترکیب نمایندگان کارگران و کارمندان یک واحد، جنبه دیگریست از نقض اصل حق شکل صنفی مستقل.

شکل صنفی کارگران سازمانی طبقه‌ای، توده‌ای و دموکراتیک است. یعنی باید دربرگیرنده همه کارگران، صرف نظر از تعلقات عقیدتی، فرهنگی، نژادی جنسی و غیره باشد. حال آنکه در ماده ۲ قانون شوراهای اسلامی کار ارتجاعی دو اصل عمده به اسلام ولایت فقیه و عدم گرایش به احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی شرط انتخاب کارگران در "شوراهای" تشخیص صلاحیت کارکنان تعیین شده است. ماده ۲ این قانون، نه با مجمع عمومی کارگران، بلکه با هیاتی است ۲ نفره که ۲ نفرشان نماینده دولتند، انتخابات شوراهای طبق ماده ۳ توسط وزارت کار صورت می‌گیرد. هیات موسس یا مجمع عمومی کارگران، به جای آنکه اساساً به تشکیل صنفی، ناظر بر روابط تشکیل شوراهای شورا را چسبند و اداره آنها تعیین کند، وزارت کار را مأمور تنظیم و اجرای آیین نامه انتخابات شده است. طبق تبصره ۱ ماده ۱۲ حتی حق تشکیل مجمع عمومی فوق العاده با کارگران نیست، بلکه با "هیات تشخیصی انحراف و انحلال شوراهای" است. منظور ارتجاع از این تبصره آن است که نگذارند کارگران عناصر ضد کارگران را بیرون کنند.

اما سران مرتجع رژیم و قانون گذاران بزرگ زبده آن با این نتیجه پسندیده نکرده و برای آنکه این تفویضات "قانونی" موبه موبه طور کامل ضمانت اجرایی یابد، هیات به نام "هیات تشخیصی انحراف و انحلال شوراهای" به منظور بررسی و تشخیصی انحراف شوراهای زور و ایف "قانونی" و انحلال آنها اختراع کرده و ده میمون شمیرنده موبه موبه "شوراهای" آویخته اند. هیات کذابی ماده ۲۲ قانون شوراهای که اختیار تشخیصی انحراف، پیرونده سازی برای شوراهای و انحلال آنها را دارد، هیاتی است ۲ نفره که ۲ نفرشان نمایندگان وزارت کار و دو نفر نماینده و ۲ نفر دیگرشان نمایندگان دست چین شده دولت. این هیات از نظر ترکیب و مضمون همان "هیات منصف" وزارت کار است. برای سازمانهای کارگری است که موضوع ماده ۶۸ تا ۷۰ آیین نامه سازمانهای کارگری و کارفرمایی مصوب ۱۳۴۳ است. در قانون "شوراهای اسلامی کار" تشکیل شوراهای سندیکیایی واقعی نه تنها در این قانون، بلکه در تمامی سطوح نقی شده و ایجاد تحادیه هها - کارنوبهای منطقه‌ای ورشته‌ای و ملی اساساً نادیده گرفته شده است.

#### نقض حق مشارکت کارگران در اداره تولید

حق مشارکت کارگران در برنام‌های مریزی و اداره تولید مبتنی بر عالی ترین و تکامل یافته ترین جز حقوق سندیکیایی کارگران و از برسته ترین دستاوردهای انقلاب بهمن است که تحت عنوان حقوق شوراهای کارگران، در شوراهای کارگری تبلور یافته است. این دستاورد نچنان عینی و غیر قابل اغماض بود که حتی سران رژیم نیز آنرا تائب کرده اند. اما زمامان غاصب یعنی از آغاز زنجیر و زبیری با زرگان تاکنون، بسن دستاورد انقلابی همواره توسط حکام جمهوری اسلامی مخدوش و منته شده است.

در مهرماه ۵۸ برای نخستین بار دولت بازرگان بطور محرمانه لایحه شوراهای را تدوین کرد. اما فرصت اجرایی را نیافت. حتی از ترس کارگران آنرا انتشار نداد. پس از بازگشت، بنی صدر با شعار "شورایی شور" رسالت دولتی کردن شوراهای کارگری را با تدوین پیش نویس قانون ۱۶ ماده‌ای شوراهای بعهدہ گرفت. پس از بنی صدر نیز دولت به توکل رسیده که با کارگران زور آمیزی کند. او با شعار "ما در اسلام نظام شورایی نداریم، نظام ولایتی داریم" به شوراهای بزرگ پرداخت. اما طبقه کارگران و سرنگون کرد. اکنون هم این رسالت شوم بر عهده جانشینان اروپا خسته توکل هاست. "قانون شورای اسلامی کار" میراث لایحه شوراهای بازرگان، قانون شوراهای بنی مدرویشی نویس قانون کارقرون وسطایی توکل است. آنچه که در همین قوانین مشترک است، تا کدی یک جانبه و مطلق بر نقش مدیر در اداره تولید و با بحال کردن حقوق شورایی کارگران و تبدیل شوراهای زاید، مدیریت است. کارگران گسترده و مضمون غنی حقوق و اختیارات مشارکتی کارگران در برنام‌های مریزی و اداره تولید درست در نقطه مقابل تحریفاتی است که این قانون از حقوق شورایی کارگران می‌کند. اصولاً اختیارات و حقوق مشارکتی کارگران در برنام‌های مریزی و اداره تولید مثل سه بخش است: اختیارات مشورتی، اختیارات نظارتی (کنترل و بازرسی) و اختیارات قطعی (اداری و اجرایی).

اختیارات با حقوق مشورتی کارگران عمدتاً در عرصه طرح و اجرای برنام‌های تولید است. مدیریت به نمایندگی کارگران در مورد تکمیل طرحها و برنام‌ها گزارش می‌دهد و با احتساب نقطه نظر هها و پیشنهادات تشکیل کارگری برنام‌ها را صادر می‌کند. اختیارات و حقوق نظارتی نمایندگان کارگران عمدتاً به عرصه توزیع مربوط می‌شود. اختیارات و بازرسی شامل نظیر تائین مناسب میان دستمزد و بهره‌های کارگران، با داری و مزایای حقوقی دیگر، نقض ناظر و کنترل کننده را دارند. اختیارات قطعی (اداری - اجرایی) عمدتاً به عرصه سازماندهی و اجرای امور مربوط به خدمات تائین اجتماعات و امکانات فرهنگی، رفاهی، ورزشی و... مربوط می‌شود. در این عرصه‌ها تشکلهای مستقل کارگری در چارچوب اجرای قانون اساسی و قانون کار تائین اجتماعات نقش اداری (سازمانگرا) و اجرایی داشته و دارای حق رای قطعی می‌باشند. وقتی از دمکراسی در تولید با حقوق شورایی کارگران سخن می‌رود، مساله تنها به یک حق مشورتی فرمالیته و تحریف آمیز محدود نمی‌شود. در ماده ۲۱ قانون شوراهای اسلامی کار آمده است که: "شوراهای موظف است یک نفر را بعنوان رؤسای و رؤسای، به مدیریت مشورتی معرفی کنند و این عویشا و در جلسات هیات مدیره بدون حق رای شرکت خواهند کرد". کارگران بر اساس مفا دین قانون تنها حق مشورت و آرایه پیشنهاد دارند، تصمیم در هر موردی با مدیریت است و از شورا تنها نامش می‌ماند و بس!

#### ممنوعیت شکل کارگران در واحدهای بزرگ دولتی

در تبصره ماده ۱۵ آمده است: "زمان تشکیل شوراهای شرکتی بزرگ دولتی از قبیل شرکتی تابعه وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و... بر اساس این قانون به تشخیص شورای عالی کار (موضوع ماده ۵۵ قانون کار) خواهد بود". هیات موضوع ماده ۵۵ قانون کار شاه منقور و متشکل است از: ۳ نفر نماینده دولت (شامل وزیر کار و دو نفر)، ۳ نفر نماینده کارکنان کارفرمایان، ۳ نفر نماینده سندیکیایی کارگری به انتخاب وزیر کار. در پیش نویس ارتجاعی سرحدی زاده این هیات متشکل از ۵ وزیر ۲ نفر نماینده کارفرمایان و ۲ نفر به اصطلاح نماینده کارگران است. شوراهای عالی کاری که قانون شوراهای اسلامی کار به آن اختیار تعیین تکلیف و تصمیم گیری در مورد حق شکل کارگران در واحدهای بزرگ دولتی را داده، یک چنین ترکیبی دارد. تبصره ماده ۱۵ مذکور همان ماده ۱۴ قانون شوراهای بنی صدر است.

هدف ماده ۱۵ مقابله با "خطر" شکل گیری سازمانهای صنفی مستقل کارگری در واحدهای صنعتی عظیم مثل نفت، فولاد و غیره است. ضربتی که کمربند را نکست، بیش از همه از همین تشکلهای ناشی می‌شود اینها بورژوازی ایران نمی‌تواند از یاد ببرد و از سر نوشت خود بیگانه نشود. محروم کردن بیشترفته ترین و متشکرترین بخش طبقه کارگران از صلاح شکل معنایش کار ملاووش است. کارگران صنایع بزرگ و کلیدی نسبت به بخشهای دیگر کارگری (صنایع کوچک، خدمات، کارگران ساختمانی و کارگران کشاورزی) نقش پیشرو و رهبری کننده را دارند. علاوه بر این، نقش واحدهای

مثل نفت و کار فولادچاه از نظر اقتصادی وجه از لحاظ سیاسی در عقب نشاندن هیات حاکمه مرتجع و پیمان دادن به حکومت ننگین فعلی حساس تعیین کننده است. رژیم مرتجع و کارگرسنیز جمهوری اسلامی، اکنون بیش از هر زمان خود را محتاج چماقی مثل تبصره ماده ۱۵ می‌بیند، چرا که هنوز سران خائن رژیم ضربات اعتصابی کارگران قهرمان ذوب آهن بسر بیکر فروتوش را در آرزو دارد و فراموش نکرده است. هنوز ننگسازان در همه واحدهای کوچک و بزرگ کارگری ایران در حال گسترش است. وقتی بیش از ۱۵ هزار کارگر فولاد بدون شکل سازمان صنفی اینگونه ایستادگی می‌کنند، روشن است که برای ارتجاع بذرش ایجا دیک سازمان صنفی برای بیش از ۴ هزار کارگر ذوب آهن برای نفت و غیره، حتی قبول بزرگاری مجمع عمومی در اینگونه واحدهای کلیدی، و رسمیت بخشیدن به همین به اصطلاح شوراهای صنفی همین ملاک و معیار تعیینی نیز خطر آفرین است.

علاوه بر این قانون ارتجاعی، توده وسیعی از کارگران ایران را نیز که در واحدهای تولیدی و خدماتی کوچک شاغلند، از حق شکل محروم کرده است. طبق ماده ۱۵، شوراهای بیدار واحدهای تشکیل دهنده بیش از ۳۵ نفر شاغل دائم دارد. این نمونه آشکار دیگری از وحشت رژیم ارتجاعی است. از نظر حقوق صنفی در کار تائین تک صدها هزار کارگر است. قانون علاوه بر موارد فوق از جنبه‌های کارگری ارتجاعی است. مثلاً طبق ماده ۲۷ این قانون، حق شورا در جلوگیری از اخراج کارگران توسط مدیران زورپا گذاشته شده و مدیریت به اخراج کارگران مجاز نشده است. گرچه برای خالی نبودن عریضه رای نهایی بعهد "دادگاه صالح" یعنی وزارت کار است.

جنبه دیگری ماده ۲۰ این قانون است که بطور سر بسته، خبرچینی و جاسوسی علیه کارگران و مشارکت با ارگانهای سرکوبگر رژیم را یکی از وظایف شوراهای شمرده است. در ماده ۲۰ آمده است: "شوراهای باید در زمینه‌های اجتماعی بروز حوادث، مراجع ذیصلاح را مطلع و همکاری لازم را معمول دارد. بدیهی است که منظور از حوادث در زمینه‌های اجتماعی، سوانح ناشی از کار و رول شدن دست کارگران و زیربسی اعتباران در دیک بخار و رونظ بران نیست، بلکه منظور، اعتصاب است. کدهای که جمهوری اسلامی حتی از بردن نامش نیز بیزیم دارد.

بمبهم گویی ریاکارانه و عدم صراحت تعسیدی قانون در مورد ادیست که از هویت نمایندگان مجمع عمومی، جایگاه آن در "شورای اسلامی کار" سخن می‌رود (ماده ۱ و ماده ۲). قانون آگاهانه نمی‌خواهد هویت مجمع عمومی کارگران و نمایندگان منتخب آن که (همان شکل صنفی کارگری است) صراحت بخشد و استقلال آنرا از مدیریت ببذیرد. چون اساس کار بر سر هم بندی کارگران غیر مستقل و زاید مدیریت یعنی ارگان سازش طبقه‌ای و وابسته به دولت قرار داده است و بس.

علاوه بر تمام موارد بالا هدف رژیم از تصویب این قانون هموار کردن راه تحمیل یک قانون کار ارتجاعی نیز هست، چرا که اصولاً شکل مستقل کارگری، ستون فقرات قانون کار و زیربومندترین فاعل اجرایی آن است. ارزش قوانین کار قبیل از هر چیز با این معیار سنجیده می‌شود که تا چه اندازه حق شکل مستقل کارگران را به رسمیت می‌شناسد و تفویض می‌کند. در آغاز سال ۶۳ رژیم جمهوری اسلامی، پس از آنکه مبعیای بیباید در تصویب یک قانون کار ارتجاعی پیش نویس قانون کار با اصطلاح جدیدی توسط سرحدی زاده عرضه کرد که با اعتراض گسترده و شدید کارگران مواجه گردید تصویب آنرا تسهیل فرمت مناسب به ترویج انداخت. اما اینها اینچندما، رژیم دست به ترویج حساب شده ترومحلان تزد و بیجای کلیت قانون کار، حساس ترین بخش آن یعنی حق شکل صنفی و مستقل کارگری را مورد تهاجم قرار داده است تا بزرگ خورده را برای تصویب و تحمیل یک قانون کار ارتجاعی جدید را سازد. از این نظر نیز ایستادگی در برابر تحمیل قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار" ایستادگی زیربایر تحمیل قانون کار ارتجاعی جدید است. کارگران باید همان قاطعیت و حساسیتی را که در ردیشتن نویس قانون کار ارتجاعی سرحدی زاده از خود نشان دادند، در دفاعی قانون شوراهای اسلامی کار نیز از خود نشان دهند.

رژیم جمهوری اسلامی با تصویب واره قانون "شوراهای اسلامی کار" مبارزه کاران حول جنبش حقوق کاردا می‌نمیزد. امروز هم ترین وظیفه جنبش سندیکیایی کارگران سازماندهی تشکلهای مستقل صنفی (سندیکیایی) اتحادیه‌ها و دیگر تشکلهای صنفی) است که سر نوشت قانون کار نیز به سر نوشت این مبارزه مربوط است. با تعرض فاشانه اخیر رژیم علیه حقوق کارگران، این مبارزه بیش از پیش د دستور کار جنبش سندیکیایی میهن ما قرار گرفته است.

وظایف کارگران آگاه در برابر قانون ارتجاعی کار در شرایط کنونی مقدم ترین وظیفه کارگران است. بقیه صفحه ۷

### فروش سهام به کارگران نیرونگ تازه رژیم

اخیرا سران رژیم مدعی شده اند که بخشی از کارخانه های دولتی را به کارگران واگذار می کنند و نام این کار را هم "تقویت با یکجا" لقب داده اند. "انقلاب بزرگ کارگری و صنعتی" گذاشته اند. سران رژیم این ادعا را زمانی طرح می کنند که به ساز گردانیدن کارخانه ها به سرمایه داران بزرگ فراری و تفرقه پزیده و پس گرفتن زمینها از دهقانان و دادن آنها به ربا بان و لیبیرا آنها بعنوان سیاست رسمی رژیم به مراحل جدیدی وارد شده و در همان حال با اعتراض و مبارزه و پیش از این کارگران را و رنجبران مواج گشته است. در شرایط دشوار و دشوار گریز مایه رژیم به سایر رطوبتی است که رژیم با خیال "تقویت با یکجا" به جستجوی نیرنگهای فدا نگیزه ای بردارد. سران رژیم ابتدا اجرای بندج قانون حفاظت توسعه صنایع ایران را متوقف کردند، سپس در ماه ۶۱، با زگرداندن کارخانه ها و زمینها را به کسان سرمایه داران و بزرگ مالکان سرعت دادند. در مرداد ۶۳ با زهم به دستورهای و گذاری کارخانه ها و زمینها و شرکتها و بنیاد دستمزد (که شامل ۱۵٪ صنایع کشوری یعنی ۵۲۵ کارخانه و نیز ۲۰ هزار واحد صنعتی و صدها شرکت ساختن نسبی و بازرگانی و ۹ شرکت هواپیمایی و ۷۰ میلیارد تومان زمین می شود) به بخش خصوصی را آغاز کردند. سپس در ۲۹ شهریور ۶۳ خمینی دستور داد که دولت تجارت را به کلان تاجران بسپارد و به دنبال آن وزارت صنایع کشته ای جهت بازگرداندن واحدهای معماره شده تشکیل داد و واگذار کرد صنایع سیمان و دیگر واحدهای این وزارتخانه و از جمله واحدهای مادر (بمسند الف قانون حفاظت) را آغاز کرد. در ۷ دی طرح واگذاری شرکت و واحد توبسوانی تهران زیر پوشش تعاونی کردن آن در کمیسیون مجلس تصویب شد. در ۲۹ بهمن ۶۳ به دستور دولت بانک صنعت و معدن به تدارک واگذاری واحدهای خود به بخش خصوصی موظف شد. در همین دوره واگذاری و مصادقات آموزشی، شهرهای ها و اداره شهرها، به بخش خصوصی تحت بررسی قرار گرفت. با لایحه در اسفند ۶۳ کلیات طرح بیانیته ارتجعی "فنا تولیدی" بخش خصوصی در صنعت و کشاورزی، که به تمام ایسب خیانته ها جنبه رسمی و قانونی می داد و در اختیارهای تازه تری را نیز هموار می کرد به تصویب مجلس رسید. سران حاضر رژیم شایه تا تازه خود یعنی با مصلاح واگذاری کارخانه ها به کارگران را درست در نقطه اوج همین اقدامات ارتجعی یعنی در اسفند ۶۳ پیش کشیدند. این طرح در اساس سرپوششی برای ادا مه همان خط مشی انتقال کارخانه ها به بخش خصوصی در زمین حال شگرزی برای فریب کارگران با مصلاح ایجا دیبا یکا در کارخانه ها است. سران رژیم در اجرای خط مشی خائنانه خود با اعتراض و مبارزه توده های میلیونی و در اسامه کارگران نیرو هشتاد و یک ساله با این اعتراضات خسود را نیا ز مندرجین نیرنگهای بی می با بند.

مبارزه ها و تاجا رب عینی انقلابی در سران جهان بطور طعمی اثبات می کنند که طبقه کارگر تنها و تنها از طریق قرار گرفتن قدرت سیاسی در دست کارگران و تخریب و دولتی کردن موسسات تولیدی می تواند مساله مالکیت را به خود بخود حل کند و لی هرگونه شک بر روی سرمایه داران منتهی بران انتقال کارخانه ها به کارگران تنها و تنها یک نیرنگ است که با زهم سرمایه داران و بهر هکذا برای حفظ منافع خودشان آنرا طعم می کنند. مروری بسره راه حل های رژیم به عیان نشان می دهد که این با ر نیز نقشه جزا نیست که کارگران را مطیع دولست سرمایه دار کنند و دسترنج آنها را برای ریختن در تنور جنگ و درگیری بی ته غارتگران به چا بند. خریدندگی سهام توسط کارگران بعنوان یک روش اساسی این طرح شده که هم سهام کارخانه ها به

سرمایه داران بفروشد و هم اگر کارگران به این کار اعتراض کردند، بگویند تقصیر خود شما بود که پول خود را برای چنین روزگاری پس انداز نکرده اید. همین آقایان ۵ سال یعنی تا آغاز سال ۶۴ حداقل دستمزد کارگران را افزایش نداده بودند و به همان ۶۳۵ ریال، ثابت مانده بود (تازه به ۷۲۰ ریال افزایش داده اند). باز هم همین آقایان می دانند که تا این پول خانه هم نمی شود جاره کرد و به همین دلیل اکثر کارگران مجبورند که تا ۸ ساعت اضافه کاری در موسسات دیگر شبانه کار کنند. تازه رژیم هم از همین دستمزد نا چیز کارگران نمی گذرد و بزرگترین و خراج میانی آنان را برای جیبه کسری می کند. معلوم است که با چنین وضع رقت باری کارگران آنهی در سراط ندارند که سهام نقدی بخرند. سهامی که قیمت آن را نیسیز دولت سرمایه داران تعیین می کند، بیوژه که دولت کسری بودجه را به فروش نقدی قرار می دهد. نتیجه نهایی قرار گرفتن اکثریت قاطع سهام در دست میلیونها و میلیاردها است. خرید سهام از محل پس انداز کارگران در اسامان تا این اجتماع، کارگران به این اسامان حسی بیامی دهند تا در مقابل آن خدمات درمانی و پزشکی دریافت کنند. این اسامان وظیفه دارد ۳ میلیون و ۱۰۰ هزار تومان برمیسد شده را سرپوش کند. تا امروز که این اسامان خدمات شایسته ای به کارگران عرضه نمی کرد. با این وضع و حال دولت می خواهد همان آندوخته اندک کارگران را به نام پول سهام بدهد و به کام جنگ و جیبه سرمایه داران بزرگ بریزد. استیلاک پول سهام از سود کارخانه شمسوه دیگری است که تنها نتیجه عملی آن این است که فعلا سهام کارگران از سود کارخانه را اگر در جایی وجود داشته باشد به حساب وعده های فریبکارانسته بیا لیکند.

استیلاک سهام با اضافه کاری کارگران نیست و سیله ای از خدمت مجبور و مقید کردن کارگران به سالها اضافه کاری در مقابل مواعید شایسته رژیم سرمایه داران قرار می گیرد. رژیم با علم کردن طرح فریبکارانه واگذاری کارخانه ها به کارگران به هدف را دنبال می کند. یعنی آقایان می خواهند با یک تیر به دو نشان را بزنند. نشان اول، به کارگران و انمود کنند که هم کارگر هم کارفرما پندوبه قول سباهوش معاون وزارت کار "خوبش فرما" شده اند و فقط برای خودشان کار می کنند. از این حقه بازی این فرکارها کارگران الفقاء کنند که آدم قتل که از خودشان تقاضای افزایش دستمزد نمی کنند، علیه خودش کار می و اعتصاب نمی کنند، شعارهای کمونیستی را از همنای عمل خود قرار نمی دهد و به صفوف آن نمی پیوندد. آنها می بندند و دنیا این حربه شایسته از میلیونهای کارگران علیه رژیم جمهوری اسلامی را فرو نشاند. توجه کنید به سخنان آقای "خوبش فرما" در این زمینه: "وقتی که کارگر احساس کند که کارخانه مال خودش است، دیگران فشارهایی که توسط کارگران برای افزایش دستمزد به کارفرما وارد می شود معنی نخواهد داشت... یکی دیگر از آثار مثبت اجرای این طرح بالا رفتن کیفیت و کمیت تولیدی ما شد... از زوایا دید دیگران این طرح خلع سلاح و اقمسی گروهی که هم در شعار و هم در عمل خواهد بود. یعنی گفتم صریح آقای خوبش فرما یکی از اهدافی رژیم جلوگیری از گسترش نفوذ کمونیستها در صفوف کارگران مبارزه با کم کاری و اعتصاب کارگران و منصرف کردن آنان از طرح افزایش دستمزد است. نشان دوم، استیلاک رشیدیت را زکشته کارگران، یعنی نه تنها تلاش می کنند کارگران را با دشمنان و افزایش دستمزد را مطرح سازند، بلکه به کمک اجرم جدید "سهام" کارگران را به افکار ریویا لایبردمیزان کیفیت تولیدی به سود کلان سرمایه داران بیاورند. نشان سوم، با دهوا گذاری کارخانه به کلان سرمایه داران زیر پوشش واگذاری ریبه کارگران اسان رژیم خیلی تلاش کردند

### پیروزی جدید کارگران

۲۷ فروردین معاون وزارت کار جمهوری اسلامی اعلام کرد که سطح حداقل دستمزد کارگران از ۶۳۵ ریال به ۷۲۰ ریال افزایش یافته است. سردمداران کارگرتیز جمهوری اسلامی در تبلیغات عوام فریبانه خود، این افزایش دستمزد را نمونه ای از سیاست "حمایت از مستضعفین" جلوه داده اند. واقعیت آن است که سطح حداقل دستمزد کارگران از سال ۵۹ تا کنون ثابت مانده بود. رژیم طی این مدت بجای سیاست تثبیت قیمتها، بطوریکجا نسیه سیاست تثبیت دستمزدها (۱) را پیش برد. اینک پس از ۵ سال، ۸۵ ریال به سطح حداقل دستمزدها اضافه شده است. در همین فاصله تا دوخته ناسی از وزارت کلان تجا در بر توستیاست اقتصاد رژیم و افزایش لگام گسیخته قیمتها، از ۷۰۰ میلیارد تومان تجا و زکرده است. واقعیت آن است که افزایش این ۸۵ ریال به سطح حداقل دستمزدها، تا شریقا بل توجهی در قدرت دستمزد با صعود اسامان و اوقیتهای هم تناسبی ندارد. با اینحال همین افزایش نا چیز سطح حداقل دستمزد نیز از نظر پیروزی نسبی مبارزات کارگران بسیار مهم است. زیرا طبقه کارگر میهن ما اثر به نسبت اعتصابات خونین به کف آورده و رژیم خدمتگزار کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را مجبور به این عقب نشینی کرده است. حکام جمهوری اسلامی بهیچوجه خواهان افزایش دستمزد نبوده اند. آنها طی ۵ ساله اخیر تمام این استدلال بورژوازی تکیه کرده اند که دستمزد نباید افزایش یابد چون موجب افزایش نرخ تورم می شود. کارگران ایران خواهان افزایش قدرت خرید (یعنی دستمزد واقعی نه دستمزد اسمی) هستند و این تنها در بر توستیاست سیاستهای اقتصادی مردمی یعنی سیستم توزیع عادلانه کالاها، تثبیت قیمتها و افزایش شرح دستمزدها متناسب با افزایش سطح هزینه زندگی میسر می گردد. بر مبنای چنین سیاستی است که سطح دستمزد در جارجوب تناسب میان دستمزد با کمیت و کیفیت کار تعیین می گردد و الگوهای طرح طبقه بندی مشاغل و ارزش گذاری روی کمیت و کیفیت کار، این سیاست را تدقیق می کند.

کتابت کنند اما قهر سرمایه داران نیستند و خط حمایت کارگران را پیش نمی برند. آنها می گویند: "در جامعه اسلامی وقتی صحبت از بخش خصوصی می کنیم معیارها و ارزش خاص خود را دارند و نباید بخشی خصوصی در جوامع سرمایه داران مقایسه شود... و اوجی که چندین سیم آن را می خورد بخش خصوصی است." اطلاعات ۲۰ اسفند آنها با این تیرنه تخی خواهد آمد می شوند که یک بخش خصوصی جدید و اسلامی اختراع کرده اند و طرح فروش سهم به کارگران نیز کلاه غریب این اختراع جدید است. طرح با مصلاح واگذاری کارخانه های دولتی به کارگران اختراع تازه سران جمهوری اسلامی نیست. همان ماه سیزدهم انقلاب سفید شاخص و از ابداعات امپریالیستهاست. هدف سران رژیم فریب کارگران و رها کردن گریبان خود از زلمست توانای آنهاست. کارگران سلاح اعتصاب را علیه رژیم بکار انداخته و در نتیجه رژیم ارتجعی و استبدادی خمینی پیش می روند. سیاست سرکوب رژیم نتوانسته است از پیشروی کارگران جلوگیری کند. پس علاوه بر آن به تاجا رب انقلاب سفید شاخص پناه برده اند و نتوانش می کنند امکا ل بیچیده و دقیق تر سرکوب و فریب ربا اشکال خشن و عربان آن تلفیه کنند. فریب تازه رژیم نشانه قدرت طبقه کارگر و دشمنی مبارزات آنان علیه رژیم است. کارگران باید در محافل و مجامع کارگری طرح جدید رژیم را افشا کنند و اهداف ضد مردمی سران رژیم را از علم کردن این طرح برملا سازند.

و متجملست خواهان است آنان در تشکیل سازمانهای صنفی استقبال می کنند، حتی اگر این سازمانها هنوز کلا مستقل و مترقی نباشند. اما وظیفه کارگران مبارز و آگاه برای تدارک و تشکیل سندیکاها و اتحادیه ها و دیگر سازمانهای صنفی مستقل به این خلاصه نمی شود. وظیفه ای که اکنون در مرکز توجه ما است مبارزه کارگران با پیشروی قرار دارد، سازماندهی صنعتی مخفی فاینس کارگری در همه واحدهای است که از شکل منفسی مستقل محرومند و یا تشکلهای صنفی ضعیف و نامتعلق دارند. ایجا دسته های مخفی فعالین کارگری بویژه در واحدهای بزرگ صنعتی مثل نفت، ذوب آهن و نظایر آن اهمیت اساسی دارد. تشکیل این هسته ها و پیچ وجه مبارزتی با شرکت در تشکلهای رسمی و علنی ندارد. در شرایط خفقان با رکنونی و فقدان با صنف تشکلهای کارگری، تشکیل هسته های مخفی کارگری برای رهبری مبارزه کارگران اهمیت اساسی دارد.

مطالیه توده کارگران بدل شود. علاوه بر آن کارگران بشیر و وظیفه دارند توده کارگران را هدایت کنند تا عناصر ضد کارگری شوراها دولتی را بیرون برانند. یکی از راههای فراخوان مجمع عمومی بمنظور انتخاب نمایندگان واقعی است. در انتخابات کارگران باید از انتخاب عناصر سازشکار و روکار ندیده های حتمیلی جلوگیری کنند و رهبری شوراها را اسلامی را از دست عوام مسل حکومت خارج کنند. رژیم از برگزاری مجمع عمومی کارگران و انتخابات آزا د برای تعیین نمایندگان بیم دارد. تجربه کرده ایم که کارگری چند ساله اخیر بدون استثناء نشان داده است که همسسه کردهای می ها حتی جلسات عمومی کارگران در وزارت کار نیز بزرگه دعوت وزیر کار را تشکیل می دهد. همواره به تریبونی برای افشای سیاستهای ضد کارگری حاکم تبدیل می شد. کارگران آگاه از هر مکانی برای جمع شدن توده کارگران و طرح مسایل کارگری

بیرامون قانون ارتجعی "شوراهای اسلامی کار" از صفحه ۶ این قانون و اهداف ارتجعی و ضد کارگری آن است. کارگران بشیر و وظیفه دارند کارگران را در محافل مخفی با علنی کارگری، در مرکز علنی کارگری، در کارخانه ها و کارگاهها، به هر طریق که مناسب تشخیص می دهند گرد آورند. آنان را با اهداف ضد کارگری این قانون و بنیاد تلبید سران رژیم در تصویب این قانون آشنا سازند. کارگران را به اعتراض جمعی، طومار نویسی، کم کاری، اعتصاب و دیگر تشکلات مناسب مبارزه علیه تصویب و اجرای این قانون متوجه کنند. مبارزه کارگران علیه این قانون راه دایته کنند. کارگران تجربیات بزرگی در مبارزه علیه قانون کار رتوکی و سرحدی زاده اندوخته اند. این تجربیات در مبارزه علیه "قانون شوراها" با یدمورد استقاده قرار گیرد. کارگران آگاه باید تلاش کنند الفقاء قانون شوراها های اسلامی را به

## درد بر کارگران قهرمان دختانیات، ساسان، ذوب آهن

### افغانستان انقلابی با گامهای استوار پایش میروید

هفتم اردیبهشت ماه هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب مردم افغانستان است، انقلاب ثور افغانستان نویدبخش استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و بشاقت دهنده برای برتری و کلا رویداد انقلابی برای ساختن کشوری مستقل، آزاد و آباد است. انقلاب افغانستان برای مردم آن سامان راه به دنیایی را گشوده است که در آن آرزومندانی و آرزوهای و آزادی و رفاه و صلح و برادری در آن و امپریالیستهای خبیث نیست. انقلاب ثور گسترش دهنده و راهی آن مردم افغانستان را به آینده مطمئن می سازد.

دستاورد های انقلاب مردم افغانستان، طبعی مدت کوتاه ۷ سالی که از آن گذشته است، علیرغم دشواریها و خرابیهای امپریالیستها و عوامل گوناگون آنها کم نبوده است. افغانستان انقلابی درین راه که رویداد مردم، رهبریهای ارزشمند حزب دموکراتیک خلق افغانستان و کمکهای انترناسیونالیستی اتحاد شوروی، قادر شده است توطئه های امپریالیسم آمریکا برای درهم شکستن انقلاب را خنثی سازد و در جهت خواستهای مردم و رفاه و محرومیت و عقب ماندگیهای به ارث مانده از سالیهای طولانی گامهایی به پیش بردارد.

انجام اصلاحات ارضی و مبارزه قاطع علیه بزرگان مالکان و کوشش در جهت حل مسأله زمین و آب به سود دهقانان محروم، اقدام درست تجدید سازمان تولید کشاورزی، تشکیل تعاونیه های گوناگون دهقانی، بکارگیری ابتکار و خلاقیت دهقانان و دخالت مستقیم آنها در راه و پیشبرد امور خویش، ارا به خدمات تولیدی روستاییان و کوشش همه جا بنه برای غلبه بر عقب ماندگیهای بخش کشاورزی بکارگیری ابزار مکانیزه در تولید در دستور قرار گرفت. امروز می توان گفت که جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان در هر یک از این عرصه ها پیشرفت های مهمی به دست آورده است و تلاش برای دگرگونیهای انقلابی و همه جا بنه تر در صورتها ادا می دارد.

انقلاب طی هفت سال گذشته علیرغم دشواریهای فراوان در پی ریزی بناهای صنایع سنگ، نظیر صنایع غذایی و نساجی و بخش های ارضی صنایع سنگین تلاشهای بی وقفه ای را سازمان داده است، پروژه های بهره برداری صنایع مس و مسکمان نیروگاه های بزرگ برق، بی گمان تحولات و پیشرفت های بزرگی را در صنایع افغانستان پدیدار خواهد ساخت.

در زمینه های اجتماعی و دستاوردهای هفت ساله گذشته کم نبوده اند. دهقانان زحمتکش افغانستان از طریق شکلها و سازمانهای اجتماعی خودبیطور فزاینده در امور مربوط به زندگی و برخوردشان و در سرکوشش و آینه کشورشان شرکت می کنند.

طبقه کارگر افغانستان که رشد کمی و کیفی بسیاری یافته است، نقش پیشرو خویش را در ساختمان با بهای صنعتی کشور به خوبی ایفا می کند. نیم میلیون نفر کارگر بخشها و رشته های گوناگون، در پناه قانون کار انقلابی که انقلاب به آنها رزانی داده است از همه حقوق حقه خویش برخوردارند.

طبق قانون کار انقلابی افغانستان چهل ساعت کار در هفته برای کارگران تثبیت شده است. کارگران در مقابل کار مسامحه ای مزد مسامحه ای دریافت می دارند. طبق قانون تمام میضامین مزد به وقت در نظر گرفته می شود و به کارگران تعلق می گیرد. حداقل مزد از سوی دولت متناسب با مجموعه عوامل و شرایط تعیین می گردد. حق نظارت بر اجزای مندرجات قرارداد جمعی به شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان واگذار شده است.

طبقه کارگر افغانستان آزادانه در دست یاریها، اتحادیه ها و سایر موسسات اجتماعی خویش متشکل شده است و به برکت انقلاب ثور آزادانه و آگاهانه در همه امور صنفی خود دخیل است و در مسایل اجتماعی و سیاسی روز بروز نقش و دخالت بیشتری می یابد.

همه تلاش حزب دموکراتیک خلق افغانستان این است که با آزادی تمام کارگران و دهقانان آنها را برای هدایت همه جا بنه کشور خویش مجهز و آماده سازد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان می رزمند تا ستم سالیان متعادی را از چهره زنان شریف و زحمتکش افغانستان بردارد. جوانان و کمکسان آرزنده خود را هر چه بیشتر در افکار انقلابی بازمی یابند. نویسندگان و هنرمندان آزادانه به رشد و اعتلا فرهنگ ملی مشغولند.

مبارزه قاطع و بیگرنه حزب دموکراتیک خلق و دولت افغانستان علیه بیسواد و جهت نامیگان امکان برای اشتغال به تحصیل همه نوباگان و واجد شرایط شهری و روستایی، نتایج ارزشمندی بسیار آورده است.

این دستاوردها در شرایطی به دست آمده است که امپریالیسم آمریکا و حکومت های مترجم متفلسف و رهبران لیسیم یک لحظه از توطئه علیه انقلاب

افغانستان دست برنداشتند. این توطئه های ضد انقلابی باعث شده است که دولت مردم افغانستان طی هفت سال گذشته همه توش و توانش را صرف حفظ و تثبیت انقلاب خویش نماید. یک روشی از دستاوردهای بزرگ انقلاب افغانستان نیست که علیرغم جنگی تمام عیار و تحمیلی که معرکه گردان اصلی آن آمریکا است، قادر شده است از استقلال کشور و موجودیت خویش حراست نماید. در این میان کمکهای انترناسیونالیستی و برادرانه اتحاد شوروی به دولت مردم افغانستان، نقش بسیار مهمی داشته است. بی سبب نیست که بوق های تبلیغاتی امپریالیستها، اتحاد شوروی را به دلیل این کمک پرادرانه و انقلابی به همسایه خود افغانستان را ماجمله قرار داده اند. امپریالیسم آمریکا که از شکست انقلاب افغانستان مایوس شده است، طی سال گذشته دیوانه وار به توجیه سزای همه امکانات علیه انقلاب شورویا درت کرد، رفت و آمدهای غلنی و مخفی سیاستمداران و مقامات آمریکا به اردوگاه های بندهای فدا انقلابی در پراکنش است. کنگ ۲۵ میلیون دلاری آمریکا به داروستانه های فدا انقلابی افغانستان و ایجا دهها هنگی بین دول ارتجاعی منطقه علیه افغانستان، نمونه ها بی ازما چرا جوئیهای امپریالیسم آمریکا و دخالت بی شرمانه و آشکار در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

در هفتمین سالگرد انقلاب ثور حکومت های ارتجاعی عربستان سعودی و پاکستان به نیابت از جانب امپریالیسم آمریکا تلاشهای مذبوحانه علیه انقلاب افغانستان را شدت داده اند. حکومت نظامیان در پاکستان که با جنبش اوج بنده مردم آن کشور علیه اختلافی و استبداد مواجهاست، از خود دفاعی انقلابی و دموکراتیک در همسایگی خود یعنی پاکستان است و زبونانه علیه انقلاب مردم افغانستان تلاش می کند. رژیم پاکستان از بازگشت آوارگان افغانی که شاهدنات و اوضاع در افغانستان و سعادت و پیشرفت مردم و کشور خود هستند، جلوگیری می کند.

سیاست های سران خائن جمهوری اسلامی ایران در مورد انقلاب افغانستان همسوز و همجهت با امپریالیسم آمریکا است. رژیم ایران نیز در سال گذشته بزم غلام دستهای خرابکارانه افغانستان را شدت بخشیده است. حکام جمهوری اسلامی میهن ما را با یگانه توطئه و عملیات جنایتکارانه به بندهای فدا انقلابی علیه مردم افغانستان کرده اند. ذریه های اخیر کم نبوده که در افغانستان با زدا شده و به این امر اعتراف کرده اند.

طی هفتمین سال انقلاب مردم زحمتکش افغانستان از هر چه بیشتر خود را از توطئه های امپریالیسم و ارتجاع منظمه و از جنایات بندهای فدا انقلابی علیه انقلاب مردم افغانستان را اعلام داشته و دولت انقلابی خویش را در سرکوبانیا و عالمین سرمد یاری رسانده اند. افغانستان انقلابی با یاری مردم و دوستان و متحدان خود در دشواریات میلیکی به پیکر نیمه جان فدا انقلاب در بسیاری از نقاط کشور وارد سازد و حاکمیت دولتی در آن مناطق بزرگ زینت تحکیم و تثبیت نماید. دره پنچشیر که از تسلط استراتژیک است با قدرت و قاطعیت پاکسازی شد.

شیات اوضاع در افغانستان بسیاری از فریب خوردگان را واداشت تا واقعیات را بپذیرند و در پرتو عقو عمومی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مردم و حکومت انقلابی میهن خود برای ساختن جامعه نوین بپیوندند.

تلاشهای سبانه و مذبوحانه امپریالیسم و ارتجاع قادر نیست به عزم و اراده انقلابی ملت بسیار خسته افغانستان ظلی و اردسا ز دوراه ترقی و پیشرفت اجتماعی آنها را سد نماید. آینه بشاقت دهنده پیروزیهای بازم بیشتر برای مردم شریف و زحمتکش افغانستان است.

یک دسته از اعضای امپریالیسم عربستان سعودی، اما رات متعده و قلمرو ملولابا افزایش قیمت نفت مخالفت، آنها گذشته از ملاحظاتی سیاسی و نزدیکی با غرب از این می ترسند که افزایش قیمت نفت باعث افزایش تورم گردد. و او حذف آنها را بی ارزش سازد، علاوه بر این درآمدهای نفتی این کشورها در حدی است که اقتصاد تک محصولی آنها بهیچوجه قادر به جذب آن نیست.

دسته دیگر علیرغم یک دست نبودن و اختلافات گوناگون اغلب خواهان مقابله با انحصارات نفتی امپریالیستی هستند و تمایل آنها به تعیین حداکثر قیمت برای نفت ما در آتی و اوپک می باشد. به علاوه

افغانستان با عث شده است که دولت مردم افغانستان طی هفت سال گذشته همه توش و توانش را صرف حفظ و تثبیت انقلاب خویش نماید. یک روشی از دستاوردهای بزرگ انقلاب افغانستان نیست که علیرغم جنگی تمام عیار و تحمیلی که معرکه گردان اصلی آن آمریکا است، قادر شده است از استقلال کشور و موجودیت خویش حراست نماید. در این میان کمکهای انترناسیونالیستی و برادرانه اتحاد شوروی به دولت مردم افغانستان، نقش بسیار مهمی داشته است. بی سبب نیست که بوق های تبلیغاتی امپریالیستها، اتحاد شوروی را به دلیل این کمک پرادرانه و انقلابی به همسایه خود افغانستان را ماجمله قرار داده اند. امپریالیسم آمریکا که از شکست انقلاب افغانستان مایوس شده است، طی سال گذشته دیوانه وار به توجیه سزای همه امکانات علیه انقلاب شورویا درت کرد، رفت و آمدهای غلنی و مخفی سیاستمداران و مقامات آمریکا به اردوگاه های بندهای فدا انقلابی در پراکنش است. کنگ ۲۵ میلیون دلاری آمریکا به داروستانه های فدا انقلابی افغانستان و ایجا دهها هنگی بین دول ارتجاعی منطقه علیه افغانستان، نمونه ها بی ازما چرا جوئیهای امپریالیسم آمریکا و دخالت بی شرمانه و آشکار در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

در هفتمین سالگرد انقلاب ثور حکومت های ارتجاعی عربستان سعودی و پاکستان به نیابت از جانب امپریالیسم آمریکا تلاشهای مذبوحانه علیه انقلاب افغانستان را شدت داده اند. حکومت نظامیان در پاکستان که با جنبش اوج بنده مردم آن کشور علیه اختلافی و استبداد مواجهاست، از خود دفاعی انقلابی و دموکراتیک در همسایگی خود یعنی پاکستان است و زبونانه علیه انقلاب مردم افغانستان تلاش می کند. رژیم پاکستان از بازگشت آوارگان افغانی که شاهدنات و اوضاع در افغانستان و سعادت و پیشرفت مردم و کشور خود هستند، جلوگیری می کند.

سیاست های سران خائن جمهوری اسلامی ایران در مورد انقلاب افغانستان همسوز و همجهت با امپریالیسم آمریکا است. رژیم ایران نیز در سال گذشته بزم غلام دستهای خرابکارانه افغانستان را شدت بخشیده است. حکام جمهوری اسلامی میهن ما را با یگانه توطئه و عملیات جنایتکارانه به بندهای فدا انقلابی علیه مردم افغانستان کرده اند. ذریه های اخیر کم نبوده که در افغانستان با زدا شده و به این امر اعتراف کرده اند.

طی هفتمین سال انقلاب مردم زحمتکش افغانستان از هر چه بیشتر خود را از توطئه های امپریالیسم و ارتجاع منظمه و از جنایات بندهای فدا انقلابی علیه انقلاب مردم افغانستان را اعلام داشته و دولت انقلابی خویش را در سرکوبانیا و عالمین سرمد یاری رسانده اند. افغانستان انقلابی با یاری مردم و دوستان و متحدان خود در دشواریات میلیکی به پیکر نیمه جان فدا انقلاب در بسیاری از نقاط کشور وارد سازد و حاکمیت دولتی در آن مناطق بزرگ زینت تحکیم و تثبیت نماید. دره پنچشیر که از تسلط استراتژیک است با قدرت و قاطعیت پاکسازی شد.

شیات اوضاع در افغانستان بسیاری از فریب خوردگان را واداشت تا واقعیات را بپذیرند و در پرتو عقو عمومی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مردم و حکومت انقلابی میهن خود برای ساختن جامعه نوین بپیوندند.

تلاشهای سبانه و مذبوحانه امپریالیسم و ارتجاع قادر نیست به عزم و اراده انقلابی ملت بسیار خسته افغانستان ظلی و اردسا ز دوراه ترقی و پیشرفت اجتماعی آنها را سد نماید. آینه بشاقت دهنده پیروزیهای بازم بیشتر برای مردم شریف و زحمتکش افغانستان است.

یک دسته از اعضای امپریالیسم عربستان سعودی، اما رات متعده و قلمرو ملولابا افزایش قیمت نفت مخالفت، آنها گذشته از ملاحظاتی سیاسی و نزدیکی با غرب از این می ترسند که افزایش قیمت نفت باعث افزایش تورم گردد. و او حذف آنها را بی ارزش سازد، علاوه بر این درآمدهای نفتی این کشورها در حدی است که اقتصاد تک محصولی آنها بهیچوجه قادر به جذب آن نیست.

دسته دیگر علیرغم یک دست نبودن و اختلافات گوناگون اغلب خواهان مقابله با انحصارات نفتی امپریالیستی هستند و تمایل آنها به تعیین حداکثر قیمت برای نفت ما در آتی و اوپک می باشد. به علاوه

افغانستان با عث شده است که دولت مردم افغانستان طی هفت سال گذشته همه توش و توانش را صرف حفظ و تثبیت انقلاب خویش نماید. یک روشی از دستاوردهای بزرگ انقلاب افغانستان نیست که علیرغم جنگی تمام عیار و تحمیلی که معرکه گردان اصلی آن آمریکا است، قادر شده است از استقلال کشور و موجودیت خویش حراست نماید. در این میان کمکهای انترناسیونالیستی و برادرانه اتحاد شوروی به دولت مردم افغانستان، نقش بسیار مهمی داشته است. بی سبب نیست که بوق های تبلیغاتی امپریالیستها، اتحاد شوروی را به دلیل این کمک پرادرانه و انقلابی به همسایه خود افغانستان را ماجمله قرار داده اند. امپریالیسم آمریکا که از شکست انقلاب افغانستان مایوس شده است، طی سال گذشته دیوانه وار به توجیه سزای همه امکانات علیه انقلاب شورویا درت کرد، رفت و آمدهای غلنی و مخفی سیاستمداران و مقامات آمریکا به اردوگاه های بندهای فدا انقلابی در پراکنش است. کنگ ۲۵ میلیون دلاری آمریکا به داروستانه های فدا انقلابی افغانستان و ایجا دهها هنگی بین دول ارتجاعی منطقه علیه افغانستان، نمونه ها بی ازما چرا جوئیهای امپریالیسم آمریکا و دخالت بی شرمانه و آشکار در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

در هفتمین سالگرد انقلاب ثور حکومت های ارتجاعی عربستان سعودی و پاکستان به نیابت از جانب امپریالیسم آمریکا تلاشهای مذبوحانه علیه انقلاب افغانستان را شدت داده اند. حکومت نظامیان در پاکستان که با جنبش اوج بنده مردم آن کشور علیه اختلافی و استبداد مواجهاست، از خود دفاعی انقلابی و دموکراتیک در همسایگی خود یعنی پاکستان است و زبونانه علیه انقلاب مردم افغانستان تلاش می کند. رژیم پاکستان از بازگشت آوارگان افغانی که شاهدنات و اوضاع در افغانستان و سعادت و پیشرفت مردم و کشور خود هستند، جلوگیری می کند.

### سرنوینی نمیری

نیروهای مسلح سودان در روز ۱۷ فروردین حفر نمیری را که در مسافت آمریکا بسرمی بردرکنکار نمودند. رهبر کودتا پارلمان و حزب حاکم سودان را منحل و قانون اساسی را منحل اعلام نمود. کودتای نظامی در سودان زمانی صورت گرفت که مردم وسیعاً به خرابیها رخنه و علیه رژیم مستبد دیکتاتور نمیری به تظاهرات وسیعی دست زدند و موسسات دولتی، بانکها و شرکت های خصوصی را مورد حمله قرار دادند.

رژیم دیکتاتوری نمیری در شرایطی که مردم با فقر و فلاکت دست به گریبان بودند به فشار حرج بیوش معاون رئیس جمهور آمریکا متصدوق بین المللی بول که اعطاء وام جدید درخواستی سودان را منوط به پذیرش شرایط خود کرده بود، تن داد و سوسیست مواد غذایی از جمله تن را برداشت. این امر منجر به افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی در سودان برای تن صورت بود که با گرفتن قرض جدیدی توانست مشکلات اقتصادی حل کند و چند صد جاک دیگر بر مسند قدرت باقی بماند.

مردم با وجود اینکه حکومت جدید وعده های بی منسی بر ملاحتا در ترمه های اقتصادی و اجتماعی و سیاسی می دهد، اما تظاهرات خودا دامه می دهند و خواستار برکناری نظامیان و روی کار آمدن حکومت غیرنظامی و دموکراتیک هستند. رهبران اتحادیه ها و اتحاد نیروهای ملی با رهبران حکومت کودتا وارد مذاکره شدند تا آنها را وادار سازند که به برگزاری انتخابات پارلمان و حکومت منتخب مردم تن بدهند.

مردم سودان خواستار آن هستند که کشور را از میراث رژیم حکومت دست نشانده نمیری رها بی یابد و به استقلال و آزادی برسد.

نیروهای مسلح سودان در روز ۱۷ فروردین حفر نمیری را که در مسافت آمریکا بسرمی بردرکنکار نمودند. رهبر کودتا پارلمان و حزب حاکم سودان را منحل و قانون اساسی را منحل اعلام نمود. کودتای نظامی در سودان زمانی صورت گرفت که مردم وسیعاً به خرابیها رخنه و علیه رژیم مستبد دیکتاتور نمیری به تظاهرات وسیعی دست زدند و موسسات دولتی، بانکها و شرکت های خصوصی را مورد حمله قرار دادند.





### از نبرد فدائیان خلق

فداییان خلق ایران، علیرغم جویلیسی و خفانی که رژیم خمینی بر میهن ما مسلط ساخته است با بیگیری و هوشیاری و ظایف انقلابی خود را در آگاه کردن مردم و در سازمان دادن بیگانه بزرگ خلق علیه رژیم انجام می دهند. این فعالیت انقلابی بر وزن و نقش فداییان خلق در جنبش کارگری و توده ای افزوده می افزاید. نمونه های زیسر گوشه ای از فعالیت سراسری فداییان خلق را نشان می دهد:

**نارس:**  
شهرهای شیراز، آذربایجان، اقلید، کازرون، نورآباد مرودشت و... همه روزها هدف فعالیت وسیع تبلیغاتی فداییان خلق است. هم میهنان ساکن شهرهای فوق به دلیل بخش وسیع و گسترده روزنامه کار، اعلامیه ها و تراکت های سازمان در جریان موضوع سازمان ما بیرون مسایل مختلف کشور و منطقه سکونت خویش قرار می گیرند.

در ماه های بهمن و اسفند و آذر ماه های بخش سازمان دهها هزار تراکت و اعلامیه سازمان را در نقاط مختلف شهر شیراز جمله کوی زهرا، فلکه و لیعصر، میدان شهدا، فلکه گاز، چهارراه قلیو و... بخش کردند و با استقبال مردم مواجه شدند. عابین تراکتها و اعلامیه های سازمان را به سرعت از روی زمین برداشته و با خود می بردند و عفا و احادیخ را از تلاشی از ارگانهای سرگوبیا خبر می کردند. یک راننده تاکسی می گفت: "یکی از این اعلامیه ها را به دیدوری شیشه ماشینم سپاردم. تا همه مردم بفهمند خمینی چه وعده های داده بود و حالا چه می کند". بعضی از کارگران می گفتند: "این تازه اول کار است فدایی ها وقتی شروع کردند دیگر به این سادگیها ول کن نیستند."

**فداییان خلق در آذربایجان:** فدا گرانه فعالیتها در آذربایجان گسترده فدا گرانه فعالیتها در آذربایجان گسترده فدا گرانه فعالیتها در آذربایجان گسترده

به دنبال اعتصاب کارگران تهران ذوب آهن افغانها و واحدهای انتشاراتی و بخش سازمان در سراسر کشور برای انتشار ریه موقیع اخبار مبارزات کارگران بخصوص در واحدهای کارگری و اقیاء همه جانبه اقدامات فدا گرانه و رژیم خمینی تلاشی گسترده را آغاز نمودند. در زندگان فدایی موقیع شدند در جلب حمایت دیگر کارگران از اعتصاب بیون ذوب آهن موقیتهای درخورتوجهی کسب نمایند. در تهران و واحدهای بخش سازمان تعداد دبیشمار اعلامیه و تراکت در کارخانجات و واحدهای نظیر خودروسازان، لولسه و ماشین سازی، شرکت ساسا، ایران یا س، بتون با تیمان، پایلیگاه تهران، فیات و شرکت واحد بخش نمودند. همچنین در کارخانجات ماشین سازی آراک، ماشین سازی تبریز، نساجی ما زندان، نود آهوا و اعلامیه و تراکتها را با خودی توسط رفقا بخش شد. بخش وسیع خبرا اعتصاب ذوب آهن همیستگسی کارگران سراسر کشور را با اعتصاب بیون ذوب آهن تقویت کرد و به عقب نشینی رژیم و پیروزی کارگران کمک شایانی کرد. این پیروزی تا شرفیاب گشت ملاحظه ای در محیط های کارگری، کارخانجات و موسسات گوناگون برجای گذارد.

علاوه بر آن واحدهای بخش سازمان در میدان انقلاب تهران، در کوه مهران، خیابان جمهوری، سید خندان و سینما سرتال اعلامیه های فراوانی در رابطه با اعتصاب ذوب آهن بخش کردند. شعار نویسی در این رابطه در شهرهای مختلف جای ویژه ای داشت. شعارهایی که نیروهای سازمان بردیوارهای پایلیگاه افغان نوشته بودند، رییس پایلیگاه را خشمگین ساخت و او را مجبور کرد در مقابل پرسش ما موران ساواک رژیم بگوید: "این شعار نویسی ها کار فدایی های ذوب آهن است"

تهران: ما گذشته دهها هزار اعلامیه و تراکت سازمان طی ماه گذشته دهها هزار اعلامیه و تراکت سازمان توسط فداییان خلق در نقاط مختلف شهرتهران بخش کردند. این تراکتها و اعلامیه ها بطور عمده در خیابانهای ما زندان، آعلی، انقلاب، میدان انقلاب، جمال زاده، سیمتری، شیخا دی، فرعی های فرانسه، کارگان، سعیدی، نظام آباد، ها شمی، قمرالدشت، سلیمان، میدان بروجردی، سی سیمتری، مولوی، تا مرسخرو، قزوین، دورا هی قیان، اما مزاده عبدالله، ایرانشهر جنوبی، یوسف آباد، بهارستان و... بخش و نصب گردیده است.

میزان بخش نشریه کار در حدی است که رژیم خمینی را سخت به وحشت انداخته است. به همیسن دلیل است که رژیم بخشنا مههای متعددی جهت ضرورت کشف و تلافی واحدهای انتشاراتی سازمان به ارگانهای گوناگون سرگوبی خود ما در کرده است. - جندی پیش یکی از واحدهای بخش سازمان، مفا ذیریای از اعلامیه ها و تراکتها ی سازمان

را از لای ساختن ما جها دسا زندگی در میدان انقلاب بطور وسیع بخش کرد.

همچنین رفقای رزمنده ما طی ماههای اخیر با رها در تقاطع خیابانهای آذربایجان و سلسبیل مفا ذیریای از تراکتها ی سازمان را از لای یک ساختن ما جها دسا زندگی در میدان انقلاب کردند. عابین بدون هیچگونه واحدهای اعلامیه ها را برداشتند و ببردند.

- بخش گسترده واحدهای بخش سازمان از روی پول سید خندان کماکان ادامه دارد و با استقبال مردم مواجه می شود. جندی پیش که رفقا برای چند میسن با اقدام به بخش از لای پول سید خندان کردند کمیته جی ها حدودیک ساعت بعد برای دستگیری آنها به محل رسیدند و دست از پا دراز تر شدند.

- بخش وسیع اعلامیه های سازمان با مفا میسن گوناگون در آذربایجان مفا میسن با استقبال فراوان دانشجویان مبارز مواجه شده است. شعارهای زیادی هم روز توسط رفقا در نقاط گوناگون و دانگنده های مختلف فدا گرانه ملی نوشته می شود که انجمن اسلامی و مدیریت دانشگاه را سخت متشنج و عصبانی ساخته است.

- شعار نویسی در پیروفت و آمدترین مناطقی و محلات شهرتهران همچنان یکی از شیوه های افشا گرانه رفقای ما است. جندی پیش شعارهای سازمان در نقاط گوناگون و دانگنده های مختلف فدا گرانه ملی نوشته شده بود که با تحسین عابین و بینندگان و استقبال آنها مواجه گردید. همچنین رزمندگان فدایی شعارهای بزرگ دیگری در چهارراه مصدق، خیابان مصدق حفا صل گمرک و منیریه، سی سیمتری، اما مزاده عبدالله، هفت حوض نارنگ، نوب و سلسبیل نوشتند. همچنین توسط واحدهای تبلیغاتی سازمان در خیابان مولوی شعارهای با خط بسیار درشت که از فاصله دور جلب توجه می کردند نوشته شد. دستیا چکی کمیته جی ها برای پاک کردن شعار مزبور باعث شمشروخنده مردم شده بود. بعلاوه واحدهای بخش سازمان هزارها برگسب به شعارهای سازمان روی آن نقش بسته است را در تقاطع گوناگون از جمله توبوسها، باجهای تلفن، تابلوهای راهنمایی و غیره نصب نمودند.

- بخش اعلامیه ها و تراکتها ی سازمان در سینماها همچنان ادامه دارد. جندی پیش در سینما آزاد (شهر فرنگ سابق) در پایان فیلم سانس (۵ - ۳) تعداد زیادی از اعلامیه های سازمان بخش شد. این اعلامیه ها با استقبال تماشاچیان سینما مواجه شد. ما مورین حکومتی بلافاصله در پی راه بستند و بیسه کنترل مردم برداشتند ولی کاری از پیش نبردند. - جندی پیش در میدان انقلاب تعدادی با دکنک که روی آنها شعارهای سازمان نوشته شده بود به هوافرستاده شد این اقدام توجه عابین را جلب کرد. مردم از اینکارهای گوناگون فداییان خلق در طرح شعارها و خواسته های مردم استقبال کردند و به این اقدامات با تحسین می نگرند.

- طی ماههای اخیر واحدهای سازمان ما در محدوده فعالیت خود بطور چشمگیری در طرح بموقع خواسته ها و مطالبات و انگاس اعتراضات و اعتصابات کارگران و زحمتکشان و افشا رژیم خمینی فعال بودند. در زیر گوشه های از این تلاش انقلابی فداییان خلق در تهران برای آگاهی خوانندگان انتشار می یابد:

در تراکتی که با عنوان "پیروزی اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک و کفش سازی جم که توسط فداییان خلق در یکی از نواحی تهران انتشار یافت و بطور وسیع بخش گردیده است" دیگر روزی نیست که در اینجا و آنجا در مناطق مختلف کشور، در کارخانه ها و روستاها، مردم زحمتکش کشور ما به خاطر حقوق حقه خود علیه ظلم و جور رژیم ارتجاعی حاکم اعتراض نکنند. شما کارگران قهرمانان در پیشاپیش خلقهای میهن ما پرچم نبرد اعتصابی خود را برافراشته اید. دیروز در دخانیات و ساسان و امروز در مجتمع ذوب آهن و ایران ابزاروچم

- در تراکتی با عنوان "با تمام قوا از نبرد اعتصابی کارگران ذوب آهن افغان حمایت کنیم" توسط رفقای ما در تهران انتشار یافته است: "پس از اعتصاب کارگران دخانیات در سال گذشته و اعتصاب کارگران شرکت ساسا در نیمه تابستان امسال، اینک پرچم نبرد اعتصابی طبقه کارگران ایران توسط برادران رزمنده شما در ذوب آهن افغان به اهتزاز درآمده است. با تمام قوا، با ترتیب دادن اعتصابات با برگزاری حرکتها و نمایش های همیستگی، به حمایت از مبارزه اعضای کارگران ذوب آهن برخیزید."

- تراکت دیگری در تهران با عنوان "مردم صلح طلب ایران، برای پایان دادن به این جنگ بی فرجام و برقراری آتش بس و صلح علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنید." توسط فداییان خلق انتشار یافت و بطور وسیع بخش گردید. در این تراکت آمده است: "متحد شویم و با تمام نیرو و امکانات و با استفاده از تمامی ابزارها و جلوی ادامه جنگ را بگیریم"

- سرانجام فداییان با عناوین "فروش سببام کارخانجات به کارگران خیمه شب بازی جدید ارتجاع حاکم" و "قانون شورا های اسلامی کار سندن تسلط ارتجاع حاکم بر سازمانهای کارگری است. علیه این قانون اعتراض کنید" از جانب رفقای رزمنده و انقلابی انتشار یافت و به میزان قابل ملاحظه ای در کارخانجات و مجامع کارگری بخش گردید.

فداییان خلق در لرستان، در حمایت از نظا هرات و اعتراضات مردم درود علیه مسئولان حکومتی و امام جمعه شهر که از میان بزرگ مالکان و کسب و کارگران سرمایه داران است اعلامیه های انتشار دادند. در این اعلامیه آمده است: "حرکت مردم درود مری تقاضای و تمنا فدایی نبوده، بلکه ما ابتدا اعتصاب کارگران ذوب آهن افغان، اعتصاب کارگران هفت تپه و گشت صنعت کارون و اعتصابات متعدد سایر شهرها کارگران و زحمتکشان ایران نمونه ای است از مبارزه مردم ما علیه بیکاری، گرانی، جنگ، فساد، تجاوز و اعدام و شکنجه زحمتکشان و مبارزان ایران توسط حکام ریاکار و وعده شکن جمهوری اسلامی..."

**هرمزگان:**  
فعالیت انقلابی فداییان خلق در هرمزگان بسیار گسترده و چشمگیر است. طی ماههای اخیر هزاران تراکت و اعلامیه در رابطه با مشکلات و مسایل مردم نقاط گوناگون استان منتشر و بخش شده است. فداییان خلق در شهرهای بندرعباس، بندر لنگه، مینسب، همچنین جزیره قشم و حاجی آبا دفعا لیتهای تبلیغی گسترده ای را سازمان دادند و اعلامیه ها و نشریات سازمان را بطور گسترده بخش کردند. در پی اعتراضات و تحمن زنان یکی از محلات بندرعباس در استان داری که به دلیل بی بی قطع مکرر آب صورت گرفت، فداییان خلق در بندرعباس با انتشار اعلامیه های حمایت خود را از آنان اعلام داشتند. در این اعلامیه آمده است تحمن زنان زحمتکش محله "ایستی ها" هشدار است به مسئولین که به جای طرحهای آب رسانی، متخصصین و کارشناسان آب راجعت طرحهای جنگی (طرح سلمان) به جیبها اعزام می کنند.

### از ادعا تا واقعیت

حکام خاشن جمهوری اسلامی علیرغم روجانگاری تبلیغاتی، بدو راجشم مردم میهن ما، رابطه با آمریکا را روز بروز گسترش بیشتری می دهند. سندن زیسر به خوبی شما نگارین واقعیت است و به هیچ شرح و تفصیلی نیاز ندارد.

جمهوری اسلامی ایران  
با تنگ ملت

موضوع: ثبت سفارش جهت واردات کالاها گواهی میداد آمریکا

بدینوسیله متن نامه شماره ۱۵/نا/۱۸۴۰۰ مورخ ۶۳/۸/۲۲ با تنگ مرکزی جمهوری اسلامی ایران (اداره نظارت ارز) جهت هرگونه اطلاع و اقدام لازم ارسال می گردد.

اداره کل امور بین المللی  
به موجب نامه شماره ۲۲۱۸ مورخ ۶۳/۴/۷ نخست وزیر و پیرو بخشنامه شماره ۱۵/نا/۱۱۲۰۰ مورخ ۶۳/۴/۱۱ ثبت سفارش جهت واردات کالاها گواهی میداد آمریکا در شرایط اضطرار در اول ماه کبریا و در روز استثناسی متعلق از آمریکا در مقام ارائه برائتنامه کس زیر مورسه بلا مانع می باشد.

خواهشمند است مراتب را به کلیه شعب ارزی خود ابلاغ فرمایید.

مسعود با مداد  
اداره نظارت ارز  
شیرعلی میر

مورخ نامه شماره ۲۲۱۸ مورخ ۶۳/۴/۷ نخست وزیر و پیرو بخشنامه شماره ۱۵/نا/۱۱۲۰۰ مورخ ۶۳/۴/۱۱ ثبت سفارش جهت واردات کالاها گواهی میداد آمریکا در شرایط اضطرار در اول ماه کبریا و در روز استثناسی متعلق از آمریکا در مقام ارائه برائتنامه کس زیر مورسه بلا مانع می باشد.

خواهشمند است مراتب را به کلیه شعب ارزی خود ابلاغ فرمایید.

مسعود با مداد  
اداره نظارت ارز  
شیرعلی میر

مسعود با مداد  
اداره نظارت ارز  
شیرعلی میر

از میان گزارشها

وحشت رژیم از مبارزه کارگران

هر روز که می گذرد حکام خائن جمهوری اسلامی برای بقا خود به اقدامات "امنیتی" جدیدی متوسل می شوند. آنها که با خشم و اعتراض گسترده کارگران مواجه اند، مذبحخانه تلاش می کنند جنبش کارگری را سرکوب کنند، با این هدف به هر شیوه کثیفی تن می دهند و از هیچ عمل فاشیستی گریزان نیستند. اخیراً ساواک خمینی طی بخشنامه ای به واحدهای صنعتی بزرگ اعلام داشته است تا مواظبان افرادی که به تازگی در این واحدها استخدام شده اند باشند. در این بخشنامه آمده است، افراد مجردی که چیدما به استخدام کارخانه درآمده اند، باید تحت نظر قرار گیرند رفت و آمد آنها وساعات مرخصی آنها کنترل شود.

همچنین مطابق اطلاعات موثق، ساواک خمینی علاوه بر ماوران خود در انجمن های اسلامی ماورین دیگری را تحت عنوان کارگران سده در کارخانه هسا بکار می گمارد تا در دستگاههای کارگری سازمانهای سیاسی انقلابی نفوذ نمایند و در جریان مبارزه کارگران اختلال ایجاد کنند.

باز هم اخیراً از طرف "ساواک" خمینی بسمه کارخانجات مختلف بخصوص کارخانجات تحت پوشش دولتی اعلام گردیده است که "وضع غیرعادی است" و کارخانجات مزبور باید با مصالح بسیج کارگری واحدهای تنگبنا مسلح تشکیل دهند.

کارگران به درستی می گویند رژیم قصد دارد با ایجاد واحدهای از این قبیل در کارخانجات اعتراضات و مبارزات ما را سرکوب کند. در بسیاری از کارخانجات این اقدام فذک کارگری حکومت محکوم شده و کارگران به افسانه آن پرداخته اند.

اعتصابات و اعتراضات کارگری

دروغ - طبق گزارشهای رسیده در تاریخ ۱۸ دی ماه ۱۳۶۳ کارگران کارخانه سیمان درود برای خواستهای صنفی خود دست به اعتصابی زنده. مسئولان محلی و مدیران کارخانه به دست و پا می افتند و سراسیمه با سداران درود را برای سرکوب اعتصابیون بسمه کارخانه می فرستند، با سداران از هرگونه معطل خشونت آمیز خودداری می کنند و دستور سرکوب کارگران را نمی پذیرند. گویا مسئولان مجبور می شوند از شهرهای اطراف با سدارانی را به محل اعزام کنند و از ماوران شهرهای استفاده کنند. در پی این وقایع سیع تعدادی از سداران محلی دستگیر شده اند.

اهواز - در واحدهای لوله اهواز که ۳۰۰۰ نفر کارگر دارد، کارگران به دلیل کمی حقوق و تعویض مسئولین کارخانه دست به اعتصاب زدند.

ماشهر - کارگران سیلوی ماشهر به دلیل عدم پرداخت پاداش وعیدی توسط مدیریت واحد مزبور دست به اعتصاب زدند.

تهران - در کارخانه "جنرال" کارگران بخاطر اذافه دستمزد دست از کار کشیدند، سیاه سداران برای دستگیری نماینده کارگران کارخانه را محاصره کرد. کارگران برای جلوگیری از هر اقدامی توسط سیاه سداران کارخانه مانده اند و اعتصاب براتا روز بعد ادامه دادند.

هفت تپه - کارگران کشت و صنعت هفت تپه - خوزستان، چندین بار در اعتراض به کمی دستمزد، مساله مسکن و بهای آب و برق خانه های سازمانی دست به اعتصاب زدند.

شهران - در روز شنبه ۱۸ اسفند نزدیک به ۴۰۰ تن از کارگران و کارمندان راه آهن در محل کارخانجات راه آهن گرد آمدند. آنها در این گردهمایی با طرح برخی از مطالبات خوبیش رسیدگی فوری به آنها را خواستار شدند. از جمله خواسته های کارگران دریافتین خوار بار بود که چندی پیش از آن قطع کرده اند. خاموشی مدیر کل راه آهن که در این گردهمایی حاضر شده بود کوشید اجماع کنندگان را از پیگیری مطالبات بازدارد. او که به پرسشهای کارگران پاسخ های بیبر می داد، از جمله گفت بن خواربار به این دلیل پرداخت نمی شود که ۴۰ میلیون تومان بودجه مربوطه به جهاد سازندگی و امادیه است (خاموشی که پس از سخنرانی قصد خروج از محل را داشت، توسط کارگران متوقف گردید.

آنها ضمن تطبیق این عمل، از او خواستند تا فوراً برای دادن بن خوار و بار اقدام نماید. قاطعیت و یکپارچگی کارگران و دیگر کارکنان راه آهن خاموشی را به تسلیم واداشتند و بسمه ناگزیر خواسته های آنها را پذیرفت. دو روز بعد در بیستم اسفند بن خوار و بار پرداخت گردید.

بهرچند - در معدن قلعه زری این شهرستان قریب دو هزار کارگر زمکتنش به کار مشغولند. علاوه بر اینکه این کارگران را به نحوی لجام گسیخته است شمار کرده و از هرگونه حقوقی محروم کردند.

چندین ماه متوالی از پرداخت دستمزد ما هانه شان نیز خودداری کردند. این وضعیت که بسمه کارگران غیرقابل تحمل بود، اعتراض شدید آنها را برانگیخت. در پی آن مسئولین متقبل شدند که برای پرداخت دستمزدهای معوقه اقدامی عاجل انجام دهند.

انزلی - در تاریخ ۲۵ بهمن کارگران اداره گمرک بندر انزلی برای افزایش دستمزد و طرح دیگر مطالبات دست از کار کشیدند و اعتصاب کردند. آنها سپس در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند و در حالیکه شعار "مرگ بر آمریکا" می دادند در جلوی اداره گمرک متجمع شدند. این حرکت خشمگین کارگران، مسئولین را هراسان کرده و ادارشان ساخت تا بپذیرند هرچه سریعتر برای افزایش اقداماتی صورت دهند.

پورد - کارگران کارخانه بافندگی یزدیاف در شهر یزد برای دریافت پول شهار روزانه، به کم کاری سازمان یافته دست زدند. کمکم کارگران یزدیاف همزمان با اعتصاب بزرگ ذوب آهن امقان آغاز شد و تا دو ماه طول کشید. مسئولین که در آغاز گمان می کردند این حرکت اعتراضی چندان به درازا نخواهد کشید، بسمه خواست کارگران توجیهی نشان ندادند. اما در پی استواری کارگران بالاخره پس از دو ماه ناگزیر شدند به خواسته آنها گردن نهند. آنها متعهد گردیدند که فقط برای کارگران کارخانه یزدیاف، بلکه برای تمامی کارگران کارخانه های یزدیاف روزانه ۲۰۰ ریال پول شهار منظور نمایند.

شهر ری - بدنیا اعلام کاهش روزانه ۲۰۰ ریال از دستمزد ما هانه کارگران کارخانه جیت ری، این کارگران در روز سوم اسفند ۶۳ دست از کشیدند. آنها ضمن بستن درهای کارخانه ورود و خروج را تحت کنترل خود در آوردند. این اعتصاب پس از مدتی با پیروزی خاتمه یافت. علاوه بر اینکه طرح کاهش دستمزد لغو گردید، حقوق روزهای اعتصاب نیز پرداخت شد.

اعتراض کارگران نفت تهران

چندی پیش در پی اعتراض کارگران واحد بخش نفت تهران در رابطه با ضرورت تشکیل سندیکا و سایر تشکلهای کارگری در این واحد، ملاحظاتی بین چند تن از آنها و مدیر واحد پیش نفت صورت گرفت. کارگران در این ملاحظاتی خواستار مجوز برای ایجاد تشکلهای شدند، مدیر واحد مزبور در مقابل با فشاری کارگران گفت: اصلاً این حرف را نزد چوون مساله سیاسی است و من نمی دانم از کجا آب می خورد!

اعتراض و کم کاری در بخشهای گوناگون با لاینگاه تهران رو به گسترش است در بخش آزمایشگاه و لاینگاه تهران درگیری شدیدی بین کارگران و کارکنان معترض که کم کاری می کنند و سرپرستان قسمتها وجود دارد.

کارگران با لاینگاه تهران بر ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری از جمله سندیکا با فشار می کنند. انجمن اسلامی به دلیل مخالفت با اعتراض و مبارزه کارگران در رابطه با مسایل صنفی شان، شدیداً مورد تنفر آنهاست.

اعتصاب رانندگان کامیون در بندر عباس

بندر عباس - در صبح روز ۱۴ اسفند حدود ۲۰۰۰ تن از کامیونداران در محل ترمینال بندر عباس واقع در ۱۰ کیلومتری این بندر گرد آمدند و دست به اعتصاب زدند. به این ترتیب حمل و نقل کالا از این بندر متوقف گردید. اعتصاب اعتراضی انحلال "ستاد هماهنگی امور حملونقل" توسط وزارت راه و ترابری، آغاز شد.

این حرکت اعتصابی مقامات را به تکاپو انداخت. معاون وزارت راه و مسئولین محلی ناچار شدند در جمع اعتصاب کنندگان حاضر شده و اعلام نمایند خواست آنرا را مبنی بر آدامه کار ستاد می پذیرند. اعتصاب با این پیروزی خاتمه یافت.

چندی پس از آن و به پراکنده شدن کامیونداران ۴ تن از فعالین اعتصاب توسط سیاه و زاندارمری دستگیر و زندانی شدند.

فعالیتهای ساواک رژیم در دانشگاه

حکام خائن جمهوری اسلامی که از گسترش مخالفتها و حرکات اعتراضی در دانشگاهها به هراس افتاده اند، از عناصر نجمن اسلامی دانشگاهها و مدارس بنحنوان جاسوس و ساواکی استفاده می کنند. در پی افزایش فشارها بر معترضان تشکیلات معلم هاشمی نژاد واقع در درگاه تهران، مسئولین با صدور ابان نامه جدید به عناصر نجمن اسلامی که نقش ساواک در دانشگاهها را بازی می کنند، چنانچه داده اند که شیخا طاقهای دانشجویان را با زورسی کنند. این حرکت بی شرمانه تاریخی و مخالفتهای شدید دانشجویان را برانگیخته است. در این موسسه

حتی استفاده از ادب و وضیعت صوت نیز منع شده است! و علیرغم مخالفتهای دانشجویان هفته ای دوبار سهمیه برنج غذا خوری آنان را به جبهه اختصاص داده اند.

اعتراض دانش آموزان به شهریه مدارس

تصمیم رژیم مبنی برگرفتن شهریه از محصلین، اعتراضات آنرا و خائو ده شان را برانگیخته است. این امر با توجه به وضع اقتصادی تاسف بار مردم باعث شده تا در مناطقی که اولیاء دانش آموزان قادر به پرداخت شهریه نیستند، کلاسها منحل شده و دانش آموزان از تحصیل محروم گردند.

در آستانه اشرفیه اداره آموزش و پرورش شهرهای معادل ۱۲۰ تومان در ماه برای دانش آموزان تعیین کرده است. در پی این امر چندین کلاس دوره آما دگی تعطیل شد.

در دبیرستان پیام تهران، (منطقه ۸ آموزش و پرورش) بسیاری از شاگردان سال چهارم که نتوانند پرداخت شهریه را نداشتند از مدرسه اخراج شدند.

در شهر پیوه محصلین مدرسه راهنمایی شبانه رجایی طی نامه ای به اداره آموزش و پرورش بسمه تعیین شهریه برای محصلین اعتراض کرده و عدم توانایی خود را ز پرداخت شهریه اعلام نمودند. همچنین دانش آموزان مدرسه ایراندخت تبریز به درخواست مسئولان مدرسه مبنی بر پرداخت شهریه اعتراض نمودند. مسئولان تهدید کرده اند که در صورت عدم پرداخت شهریه، آنان را اخراج خواهند کرد.

گسترش عدم امنیت در کشور

جنايت دزدی و تها و زبه عنف در سراسر میهن ما روز بروز گسترش می یابد. جان و مال و ناموس مردم بهیچ وجه در امان نیست. مردم شهرها در عبور و مرور شبانه بهیچ وجه امنیت ندارند. بسیاری از افراد کمبته ها و دیگر ارگانهای سرکوبگر رژیم خود اذاعضای باندهای جنایتکار رندوبه قتل و غارت واخادی از مردم شغولند.

بر اساس گزارشهای رسیده اخیر در شهر اراک چندین مورد قتل و تها و زما شده شده است. این امر خشم مردم اراک را برانگیخته است. مردم که می بینند عوامل حکومت خود در این ما جراه دست دارند نتوانند نیستند ما خودمئل روزهای اول انقلاب حفاظتش را بهیچدی گیری. در اوایل دی ماه راننده یک سواری در جوادیه تهران که در ساعت ۱۰ شب متوجه ایست با سداران نشده بود با تلیک گلوله های آنها کشته شد. مقتول درجه دار ارتش بود. این واقعه باعث اعتراض ساکنین جوادیه شده است. تنفر خود را از این اعمال غیر انسانی حکومت اراک برآزاد شدند.

واقعه ای در جاده های ما سال گذشته در مجیدیه شهران روی داد. ماجرا از این قرار بود که گلوله های کمیته جی ها باعث مرگ خانم راننده ای که صدای ایست آنها را شنیده بود، شد. این جنایت خشم و اعتراض شاهدین را برانگیخت.

همچنین چندی پیش در شهر کرمان در هنگام نور بیسج جوانی که دریا لکن منزلشان ایستاده بود مورد اصابت گلوله با سداران قرار گرفت و کشته شد. به دنبال این امر مردم کرمان نسبت به ماجرا جویای افراد سیاه و بیسج در شهر و سلب امنیت و اختلال در کار و کسب و زندگی شان اعتراض کردند.

بندر عباس - نیمه اول اسفند مردم بندر عباس شاهد حرکات به غایت اوباشانه گروههایی بودند که مسلحانه تحت عنوان مبارزه با بیججایی روانه خیابانها کرده بودند. از روزهای هفتم تا دوازدهم اسفند دهها تن از وابستگان بسمه ارگانهای سرکوب به خیابانها ریخته و زنان و مردان رهگذر را مورد تهاجم قرار داده و تعداد بسیاری را مجروح و مفروب کردند. سازمانها کن این اوباش گیری احمدی اما جمعه، درودی دهان شریع و نیز دادستان این بندر بودند.

شهران - در اسفندماه اکیبی از با سداران به مدرسه ای دخترانه در خیابان نظام آباد شالی ریختند. بدستور آنها، مدیر مدرسه دانش آموزانی را که به زعمشان لباس تنگ پوشیده بودند اضا حار کرده و لباسهایشان را باقیچی پاره کردند. این واقعه بر نفرت دانش آموزان از رژیم دامن زد. با زتاب آن افزایش شا رنویسی علیه رژیم در مدرسه در روزهای بعد بود.

تایباد - در این شهر کوچک مرزی و روستا های اطراف مثل دیگر نقاط اشرار افغانی که بطور همه جانبه توسط ارگانهای دولتی حمایت می شوند، با شرارتهای خود روزگار مردم راسیاه کرده اند. آنها شیخا به روستاها حمله کرده و دار و ندار کشاورزان را غارت می کنند. تاکنون در روستاهای تایباد تعداد بسیاری به خاطر مقاومت در برابر غارتگریهای آنها کشته و مجروح شده اند. مهاجمین اعضای شناخته شده و مسلح باندهای ضد انقلابی افغانی هستند.

### سازماندهی جدید سپاه پاسداران رژیم

سردمداران رژیم جمهوری اسلامی مدتی است که به امر سازماندهی جدید در سپاه پاسداران پرداخته اند. هدف تغییرات جدید سپاه، تصفیه عناصر مخالف، انطباق کامل تر این نهاد سرکوبگر با اهداف رژیم و بالابردن قدرت سرکوبگری آن است.

سپاه پاسداران تا قبل از سازماندهی جدید در شهرستانها دارای یگانهای محلی بودند که افراد آنها اکثر از داوطلبین بومی تشکیل می شد. در سپاه سلسله مراتب نظامی وجود نداشت. تنها فرماندهان یگانها را دیگران مستقیماً می نامیدند. از پاسداران هیچ خدمت طولانی گرفته نمی شد. سپاه علاوه بر نقش فعال در جنگ خانمانسوز، در سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی و حفظ جان حکام مرتجع و امنیست شهرها نقش جدی داشت.

بر اساس سازماندهی جدید سپاه از مناطقی که به مناطق ۵ گانه تقسیم یافته و از حالت بومسی و محلی درمی آید یگانها و یگانهای بومی و محلی در بزرگترین شهرهای مرکز می شوند در هر منطقه در با یکدیگر ارتباطی ندارند. هر محلی تشکیل می گردد. در سپاه همانند ارتش سلسله مراتب نظامی به جای سپاه در آمده و به پرسنل آن درجه نظامی داده می شود و مقررات استخدامی و خدمتی آن شبیه ارتش خواهد شد. از داوطلبین خدمت در سپاه می تواند ۲۵ ساله گرفته می شود سپاه همانند ارتش از مشمولین نظام وظیفه سهمیه می گیرد. این سازماندهی دست فرماندهان را در انتقال و انطباق پاسداران و اعزام آنان به سیمه ما موریت ویژه و به جبهه با زکرمه و مسالداط عسرت از فرماندهی را که تاکنون مشکلاتی را بوجود آورده حل می کند. سپاه در سازماندهی جدید رای واحدی و بزرگ رزمی بیاید، هوایی و دریایی خواهد شد.

وظیفه سرکوب نیروهای مترقی و انقلابی بطور متمرکز برعهده ساواک جمهوری اسلامی قرار می گیرد. و وظایف انتظامی سپاه به تدریج به شهرهای نسبی و ژاندارمری منتقل می شود. با این تغییرات سپاه همانند ارتش اساساً وظایف نظامی برعهده خواهد شد.

در جریان این تغییرات تعداد دلبیشتی از افراد ساده سپاه امکان می یابند تا به قصد اوقاف ارتجاع سرا یا فدرمی است، آگاهی یابند. همانگونه که سپاه پاسداران ارتجاع دچار بحران شدید درونی است. عناصر ساده ای که به خیالی دیگرها این نهاد کشیده شدند، دستهای استغناء می دهند و سپاه را می کنند. گزارشهای بسیاری گواهی این واقعیت است.

طبق اطلاع به دنبال تصمیمات اخیر مبنی بر اشتغال پاسداران بومی به مناطق دیگر تاکنون حدود ۴ هزار نفر ارتجاعی استغفاء کرده اند که اکثر آنها را افرادی با درآمد ناچیز در یگانهای تشکیل شده می دهند. گسترش استغفاء در سپاه خشم مسئولان حکومتی را برانگیخته است. آنها تلاش می کنند تا با ایجاد دروغ و وحشت در افرا در سپاه و تهدید و زندانی کردن آنها جلوی استغفاء را بگیرند. گاه از افراد مستعفی فراموش گرفته می شود. گزارشات حاکی از این است که مواردی دیده شده که گاه در یک یا بیگانه تا ۳۰ درصد افراد استغفاء دهند.

چندی پیش ۴۰۰ نفر از پاسداران تبریز که از رفتن به جبهه خودداری کرده و خواهان خروج از سپاه بودند زندانی و زندانی شدند. ۳۰۰ نفر از پاسداران تهران با طرحی استغفاء دادند. مسئولین حکومتی آنها را مورد بازجویی قرار داده و با مصالحت دنبال عوامل تحریک هستند.

طی ماههای اخیر ۱۴۲ نفر از پاسداران در آمل استغفاء کرده اند. در شهریروز افراد پاسداران مستعفی در انتظار محاکمه به سر می برند. در پی اعتراضات چندین پاسداران را در مسیر انتقال افراد سپاه به مکانهای دیگر که به دنبال سیاست غیور بومی کردن سپاه انجام گرفته است. آنها را اخراج کردند. به کرات شنیده می شود که افراد سپاه پاسداران می گویند "حکومت از مردم جدا شده، ما می خواهیم به مردم مستعفی خدمت کنیم ولی وضع طور دیگری شده، حالا باید مردم را سرکوب کنیم. پس برای چه به ما نیند؟" با ندیازی و رشوه خواری و فساد در سپاه هر روز بیشتر می شود. این وضع را افراد مدتی نمی توانند تحمل کنند. تنفر مردم از سپاه و اقدامات آنان این افراد را می آزارد و به تفکروا می دارد. بدین ترتیب برای کسانی که با انگیزه سرکوب مردم به سپاه وارد نشده اند، لیبلی برای ماندن در صفوف آن باقی نمی ماند.

علامه ای تحت عنوان "رنج نامه سپاه از سوی پاسداران مستعفی انتشار یافته و وسیعاً

در بین افراد سپاه بخش گردیده است. در ایسین رنجانا آمده است: "... ما به دلایل انقلابی وارد سپاه شدیم ولی امروز ما می خواهیم در مقابل سبیل مردم بایستیم و به مردم شلیک نکنیم، ما برای دفاع از دهقانان به سپاه پیوستیم ولی امروز ما برای گرفتن زمین از دهقانان و بازگرداندن آن به مالکین و شلیک به روی دهقانان استفاده می کنیم..." در پایان این اعلامیه آمده است: "این رنجانا به بسیاری از پاسداران است و چون مخالفانین سیاستها هستند استغفاء می دهند." ❁

### فساد اداری بیماری دیگر حکومت خمینی

رشوه خواری، با ندیازی و اختلاس در دستگاههای اداری رژیم در همه و باغها گسترده ای یافته است. نارسایی و خشم مردم از فساد اداری، نگاه بیگانه برخی از مسئولین و مقامات رژیم را برای سرپوش گذاشتن بر آن وادار به اقرار و اعتراف می کند. نطق نوری وزیر کشور رژیم درگردهمایی معاصرین سیاسی و ستاد راهبهای سرا کشور گفت: "با رشتی بازی و آشنایی در دادن شغل و پست دوباره آغاز شده است و اخیراً چند مورد در این رابطه دستگیر شده اند." (روزنامه جمهوری اسلامی ۸ بهمن ۱۳۶۳). در مطبوعات وابسته به حکومت نیز درباره ربا زداری تعدادی به جرم اختلاس و رشوه خواری خبرهایی درج می شود. (دورکپان ۲۶ به گذشته یکی از نمایندگان مجلس نقل شده که گفت: "آقای ۱۰ میلیاردر بهمد از انقلاب زداری کرده، ۱۳۰۰ تومان پول داده و بعد هم به خارج فرار کرده" روزنامه کیهان ۲۳-مهر ماه ۶۳ می نویسد" سه مسئول ستاد سازی بنیاد مسکن سوخته رده به اتهام اختلاس دستگیر شدند". روزنامه اطلاعات در ۲۸ مهر می نویسد "مدیر کل سابق امور مالی سازمان خالص و معاون اداری و مالی دفتر طرح سیلوه با به جرم اختلاس و رشوه خواری دستگیر شدند". این روزنامه در ۳۰ آبان می نویسد "معاون مالی و دوتن از کارکنان منطقه ۲ آموزش و پرورش تهران به اتهام اختلاس با زندانی شدند". نیز کیهان در ۳۰ آبان ماه می نویسد "ستاد ربا خترا را جزئیات دهها میلیون ریال اختلاس در ادارات را فاش کرد". زداری و اختلاس به مبلغ ۱۴۰ میلیون تومان در ستاد بسیج اقتصاد قائم شهر که فراماندار سابق نیز است در دست داشت و همچنین وجود با ندر رشوه خواری در اختلاس کلان در گمرک بار زگان و سایر گمرکات کشور و دهها و صدها نمونه دیگر، همه و همه مبین وضعیت است که حتی یک نماینده مجلس آنرا بدین صورت بیان کرده است: "دل مردم از دست برخی جریانهای خسون است رشوه بیداد می کنند که گاه با مظاهرتان رومان و روبرای می شنالان قیمت مقطوعش در هزار تومان است." (کیهان ۲۱ آذر ۶۳)

توده های مردم با خشم و نفرت به چنین وضعی می نگردند. آنان که با هزاران امید و آرزوی آرزوهایشان و جانباژی بی نظیری رژیم شاه را سرنگون ساخته بی صبرانه و مشتاقانه خواهان متلاشی کردن بساط فساد، رشوه خواری، اختلاس و چاق و اموال و شربت عمومی بودند، اکنون مستقیماً در مقابل خود دستگاه فساد پرور و سرگرمی را می بینند که هر روز گوشه های آرزوهای بوسیله ای از بزیده بیرون می آید. این وضع طبعاً خشم و اعتراض فزاینده توده ها از جمله، اعتراض و فریاد توده کارمندان سرا آتمند و مدتی که تحت شدیدترین تحمیلات و فشارهای ارتجاعی قرار دارند برانگیخته است.

اکنون مدنهادست که کوس رسوایی مقدس ما بوسی و عوام فریبی و هبران و سردمداران خائن و مرتجع رژیم بمدار آمده است. همه یکت بخش آملی که لاهای با زاریه "از طریق زدو بند مقامات وزارت بانرا گانی و دیگر سازمانهای دست اندرکار ربا بدها و واه سطحی بزرگ، روانه بازار سپاه می شود. وجود دزدی و اختلاس در وزارت متابع سنگین، سوء استفاده و زدو بندهای کلان در خرید سلاح و تجهیزات نظامی و در دسترس قرار ددهای اقتصاد با شرکتهای امیرالیستی، وجود فساد فساد نظیر موسوی تبریزی ها، صادق طباطبائی ها، بیورا ستاد و خاموشی ها، و دستبندی حساس و وجود رابطه مرشی و نا مرشی میان کارمندان با دنها و واسطه های بزرگ احتکار و قاچاق کالاها می مور دنیا ز مردم با مقادیر ناچیز و غیر روحانوی به روشنی بیاید تگرومیو بدین است که مرکز اصلی و منشا، رشوگسترش فساد اداری نه در پایین و سطح عادی کارمندان بلکه در خود دستگاه رهبری حکومت قرار دارد.

سران رژیم برای آرام کردن و گمراه ساختن مردم در تنگنای رژیم شاه گاه تعدادی از زندان کج و کسول و دستچند را به زندان می افکنند. لیکن این کارها نمی توانند مردم را بفریبند. این روشهای شناخته شده رژیم متفورش را سوا ترازان است که سران جمهوری اسلامی با استفاده از آن قادر به

کمراه کردن مردم آگاه میباشند. افشا بی امان فساد در ارگانهای حکومتی و علل و عوامل آن نقش مهمی در افشای هر چه بیشتر ما هبت ارتجاع حاکم و در هم گسستن آن دارد.

### کنترل تلفن ها و تقیص نامه ها از سوی رژیم

دستگاههای تفتیش و تجسس ساواک جنا بتکار شاه که با ابزارات مردم در هم ریخته شده بود، اکنون با ابعدای گسترده تر توسط سردمداران رژیم جمهوری اسلامی احیا و به کار افتاده است. کنترل نامه های پستی و استراق سمع مکاتبات تلفنی مردم از جمله مواردی است که در سالهای اخیر توسعه یافته است. اکنون گسودن نامه های مردم شیوه رایج و عملاً رسمی ادارات پستی گردیده است. عناصروا بسته به تاجن اسلامی و افراد واکیبهای که تحت نظارت ساواک خمینی (وزارت اطلاعات) واداستانی وزارت ارشاد دیگرا گمراه شده اند، بسیاری از نامه های پست شده و بیرون نامه های خارج کشور را به بیانه مشکوک بودن به طرق مختلف از جمله با بخار و گرم با زکرمه می خوانند در ادارت مخبرات نیز علاوه بر دستگیریهای کنترل تلفن با زمانه از ساواک متفورش، رژیم خمینی دستگیریهایی کلان اقدام به خرید ویکا رگبیری با صرفهای مدرن و مجهز نموده است که در آن واحد هر یک قادر به کنترل و ضبط ۱۲۶۰ کتال تلفن است. علاوه بر آن رژیم تلاش می کند تلفنهای خارج را نیز ضبط و کنترل کند.

هدف این اقدامات بدوچا نه مقابله با جنبش مردم است. در پی صدور مجوز شرعی از سوی خمینی در ضرورت تشکیل ساواک و اعلام تجدید فعالیت دستگاه فدرمیدی ساواک و بسته خدمت گرفتن ساواک و کبهای خیره، اینگونه اقدامات در این دستگاه متمرکز و هادهاک شده است.

نیروهای انقلابی، مبارز آگاه و وظیفه دارنند با افشاکری همه جا نیه سیاستها و اقدامات تفتیشی رژیم آن، استراق سمع تلفنهای و تجسس نامه های مردم اعتراض شده ها را برانگیخته و گسترش دهند در این میان کارمندان ادارات پستی می توانند با اشتراک مخفیانه ساواک و ساواک در زمینه کنترل نامه ها و تلفنهای، با عدم کنترل نامه ها و عدم گزارش محتوی نامه ها و تلفنهای به موریان ساواک، با رد کردن نامه ها و محتویات آنها به دور از چشم مورا و با اطلاع آدرس ها و تلفنهای آنها و کنترل به شیوه مناسب به سازمانهای انقلابی و صاحبان آنها نقش مهمی در خنثی کردن توطئه تفتیش رژیم بیفا کنند.

هدف مشخص کنترل تلفنهای و نامه ها متوجه کشف، ردگیری و ضربه زدن به سازمانهای انقلابی است. مقدمترین وظیفه نیروهای انقلابی آن است که به شنانا دقیق شیوه عملگردشمن و کاربست متنا سب و دقیق روشهای مقابله با آن، دشمن و ادران کیار تا کام گذارد. با توجه به سلسله رژیم برای کنترل جده تلفنهای و اینکه علاوه بر شاره ها تحت نظر که مکاتبات آنها بلافاصله در اختیار موریان دادستانی قرار می گیرد، رژیم تلاش دارد تلفنهای خارج از کشور و تلفنهای مختلفی از سر مردم را حتی المقدور "چک" کند، با یسدگفتگوهای تلفنی تا حد امکان شکل عادی داشته و قطعاً بدون رد فعلی با زمانه کوتاه باشد. استفاده از رهز تلفن نیز باید با دقت بسیار، هر چند یک بار و بسا فوالمی تا مشخص صورت گیرد. با این توجه که مهمتر از استراق سمع امکان دستگیری افراد و نورقتن امکانناات متقابل تلفنی است. با بدرن نامه های پستی آدرس فرستنده نوشته شود. اما لازم نیست آدرس واقعی باشد. با بدنا ما حتی المقدور از مراکز اصلی تریست شوند. متن نامه ها و از جمله نامه های خبری با بدردا زمانی نداشته، بیامها در متن عادی تنظیم شود. برای ارسال مطالب خاص به آدرسهای شناخته شده باید حتی المقدور از آدرس واسطی در خارج استفاده شود. با بدمسایل زمانی گزارشات و اخبار خاص حتماً با جوهرهای نامرئی مطمن نوشته شود.

نیروهای انقلابی بی تردید قادرند با دقت استفاده از ابزار و بتکارات مختلف البته تقبول محدودیت های ناگزیر، مقاصدشان را خنثی سازند. دربرابر فعالین انقلابی هیچ سد تجسس و کنتروللی وجودندارد که شنوان راه رسوخ و عبورا زانرا یاق

آدرس:

Pf. 10  
1081 WIEN  
AUSTRIA

اتریش

حساب بانکی:

AUSTRIA - WIEN  
BAWAG  
NR. 029 10701 - 650  
DR. GERTRAUD ARNER

# پیش بسوی جبهه متحد خلق